

فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی

سال ششم، شماره ششم، تابستان ۱۳۸۹

صفحات ۱۱۵-۱۴۲

بررسی تطبیقی آثار اصل برائت در مرحله تحقیقات مقدماتی

در اسناد بین الملل حقوق کیفری ایران و سایر نظام های حقوقی^۱

سمیرا گل خندان* - حسین خسروی* - اکبر رجبی* - داود خلیلی*

چکیده:

در این پژوهش تلاش بر آن است که آثار اصل برائت در مرحله تحقیقات مقدماتی یعنی مرحله ای که بعد از کشف جرم و قبل از مرحله دادرسی جزایی قرار دارد مورد بررسی قرار گیرد. دادرسی های جزایی از حیث موضوع، هدف، خاصیت و صاحب دعوی از دادرسی ها حقوقی متفاوت بوده و همین تفاوت ها موجب اهمیت و حساسیت دادرسی های جزایی شده است. در تحقیقات مقدماتی مجموعه اقدامات قضایی بسیار مهم و سرنوشت ساز بوده و یکی از مراحل حساس دادرسی های جزایی محسوب می شود. در این مرحله متهم که به موجب اصل برائت تازمانی که اتهام وی در دادگاه ثابت نشده بی گناه قلمداد می گردد. در پرتو اصل مزبور و آثار پیوسته بر آن دارای حقوقی می باشد که باید مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر از آنجا که اصل بر این است، متهم تازمان اثبات اتهام بی گناه است به عنوان آثار پیوسته بر این اصل نباید مجبور به اقرار یا شهادت علیه خود شود، از حق سکوت برخوردار بوده و نباید مجبور به پاسخگویی گردد می تواند مساعدت و کیل یا مترجم حسب مورد برخوردار بوده و از معاضدت و در اثبات بی گناهی خود بهره جوید. همچنین به عنوان دیگر اثر اصل برائت از آزادی فردی در طول تحقیقات مقدماتی بهره مند بوده و بازداشت وی به سبب مصالح اجتماعی محدود و منحصربه موارد استثنایی با شرایط خاص و ویژه می باشد که این آثار را با توجه به اسناد بین المللی - کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی - همچنین با توجه به نظام حقوقی ایران و سایر نظام های حقوقی مورد بررسی قرار می دهیم.

کلیدواژه: برائت، متهم، اجبار، سکوت، معاضدت، آزادی

۱- تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۴/۲۴

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین

golkhandan@iaukhomein.ac.ir

طرح بحث:

اصل برائت، یک اصل مقدس حقوق کیفری می‌باشد که مضمون آن این است که «مقام تعقیب» وظیفه اثبات تمام عناصر یک اتهام را ماورای شک و تردید معقول برعهده دارد. در تعبیر دیگری اصل برائت، یک اصل قانونی است که شخص را نسبت به جرمی که متهم به ارتکاب آن می‌باشد، بی‌گناه قلمداد می‌کند و مقام تعقیب را ملزم می‌کند که اتهام متهم را ماورای شک و تردید معقول اثبات نماید. به این ترتیب هرگاه در پایان دعوی و براساس تمامی جزئیات آن شبهه معقولی به وسیله ادله ارائه شده توسط دادستان (تعقیب کننده) یا متهم (زندانی) ایجاد شود درمورد این که آیا متهم (زندانی) جرم را مرتکب شده است یا خیر این امر بدان معنی است که دادستان (تعقیب کننده) دعوی را اثبات نکرده است و در نتیجه متهم (زندانی) مستحق برائت خواهد بود. (میر محمد صادقی، جرایم علیه اموال و مالکیت، ۱۰) اصل برائت در اولین مرحله فرایند کیفری بوجود می‌آید و تا زمان اثبات اتهام بر تمام مراحل رسیدگی کیفری حاکم می‌باشد. رسیدگی‌های کیفری از جهاتی چند از رسیدگی‌های حقوقی متفاوت می‌باشند، این تفاوت‌ها که موجب اهمیت و حساسیت رسیدگی‌های کیفری می‌باشند عبارتند: **اول** از حیث موضوع به این معنی که موضوع رسیدگی کیفری تعقیب متهم به منظور صدور حکم بر محکومیت او و در نتیجه اعمال مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی بر محکوم علیه است. حال آن که موضوع رسیدگی حقوقی احراز صحت و سقم ادعای خواهان و در نهایت محکومیت خواننده به اجرای مورد ادعا می‌باشد. **دوم** از حیث هدف به این معنا که هدف رسیدگی کیفری اعاده نظم در جامعه و ایجاد آرامش در شهروندان با عنایت به جنبه بازدارندگی عمومی و بازدارندگی فردی مجازات‌ها است. در حالی که هدف رسیدگی حقوقی در غالب موارد الزام خواننده به جبران خسارت می‌باشد. **سوم** از حیث خاصیت به این معنا که رسیدگی کیفری یا به عبارت دیگر دعوی عمومی متعلق به جامعه است و دادستان یا هر نهاد تعقیب دیگری به نمایندگی از جامعه به تعقیب متهم و به جریان انداختن دعوی عمومی اقدام می‌کند و به این علت دادسرا مجاز نیست که جز در موارد پیش‌بینی شده در قانون از تعقیب متهم امتناع و یا با وی مصالحه کند و یا از اعتراض به حکمی که در آن منافع جامعه رعایت نشده باشد



خودداری ورزد برعکس رسیدگی حقوقی یا دعوی خصوصی متعلق به خواننده بوده و مشارالیه یا وراث و قائم مقام قانونی وی می‌توانند اولاً از همان ابتدا از طرح آن صرف نظر کنند و ثانیاً در صورت اقامه دعوی خصوصی درهریک از مراحل تعقیب، تحقیق و رسیدگی دعوی خود را مسترد نمایند. **چهارم** از حیث اصحاب دعوی باتوجه به اصل شخصی بودن مجازات‌ها رسیدگی کیفری فقط علیه متهم، شرکا و معاونان جرم امکان‌پذیر است و در نتیجه در صورت فوت متهم یا هر یک از شرکا و معاونان جرم رسیدگی کیفری نسبت به فرد فوت شده موقوف و ساقط می‌گردد. حال آن‌که رسیدگی حقوقی را تحت شرایطی می‌توان حتی پس از فوت خواننده علیه وراث اقامه کرد. (آشوری، آیین دادرسی کیفری، ۲، ۱۹۸ و ۱۹۷) از جمله مراحل رسیدگی کیفری مرحله تحقیقات مقدماتی می‌باشد این مرحله پس از ارجاع پرونده مقدماتی تکمیل شده توسط مقامات کشف جرم آغاز خواهد شد و یکی از مراحل حساس و مهم دادرسی‌های کیفری است. نتیجه تحقیقات مقدماتی سرنوشت قضایی متهم را تعیین می‌کند؛ ممکن است او را از تعقیب کیفری معاف سازد یا به‌پای میز محاکمه بکشاند. (آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ۲، ۸۴) در این مرحله مقامات تحقیق دلایل و آثاری که در مرحله قبل، کشف و اقدامات لازم برای حفظ آنها معمول شده را مورد ارزیابی قرار می‌دهند، سپس جهت تکمیل دلایل مزبور و همچنین جمع‌آوری کلیه قراین، دلایل و اماراتی که له و علیه متهم می‌تواند وجود داشته باشد اقداماتی را انجام خواهند داد؛ از جمله این که متهم را احضار نموده و تحقیقاتی از وی به‌عمل می‌آورند و در صورت لزوم به منظور جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم تدابیری را اتخاذ خواهند کرد و در نهایت با توجه به اقدامات و ادله مزبور و ارزیابی آنها راجع به ارجاع یا عدم ارجاع پرونده به دادگاه جهت رسیدگی و صدور حکم اتخاذ تصمیم خواهند نمود.

۱۱۷

در این مرحله متهم که به‌موجب اصل برائت تا زمانی که اتهام وی در دادگاه ثابت نشده، بی‌گناه قلمداد می‌گردد، در پرتو اصل مزبور و آثار مترتب بر آن دارای حقوقی می‌باشد که باید مورد توجه قرار گیرد.

که این حقوق را در چهار مبحث تحت عناوین ذیل به‌تفصیل مورد بررسی قرار می‌دهیم:

- منع اجبار به اقرار یا شهادت علیه خود



- حق سکوت
- حق برخورداری از معاضدت وکیل و مترجم
- آزادی متهم و تحدید موارد بازداشت موقت

مبحث اول: منع اجبار متهم به اقرار یا شهادت علیه خود

این اصل به عنوان یک مبنای اساسی حقوق متهم و یکی از آثار مهم اصل برائت به این معنا است که در جریان یک تعقیب کیفری مقام تعقیب باید اتهام متهم را اثبات نماید و نباید شرایطی را فراهم نماید که متهم مجبور به اقرار شود و خود را مجرم قلمداد نماید. شخص می تواند بدون هیچ گونه ترس و هراسی بگوید که حق دارد از پاسخگویی به سؤالات امتناع نماید و از حق مصونیت در مقابل خود اتهامی برخوردار می باشد.

دادگاه اروپایی حقوق بشر چنین اظهار نظر نموده که رفتار با متهم به عنوان یک جنبه از حق برخورداری از محاکمه عادلانه به موجب بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین به عنوان نتیجه این اصل که به موجب بند ۲ ماده ۶ حق دارد تا زمان اثبات اتهامش بی گناه قلمداد گردد، باید به دور از اجبارش به خود اتهامی باشد.^۱ که این مبحث را در سه گفتار جداگانه بررسی می نماییم:

گفتار اول: اسناد بین المللی

قسمت هفتم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می دارد: «مجبور نشود که علیه خود شهادت و یا به مجرم بودن خود اعتراف نماید.»

قسمت هفتم بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مقرر نموده: «نمی توان متهم را وادار به اقرار به مجرمیت علیه خود نمود.»

در کنوانسیون فوق الذکر علاوه بر تصریح به ممنوعیت اجبار به اقرار و مصونیت در مقابل

1. David Feldman . Civil liberties and human rights in England and Wales . 2 nd ed. United States . Oxford University . 2002 p 384

خود اتهامی در بند ۳ ماده ۸ اشعار داشته: «اعتراف متهم فقط در صورتی ارزشمند و قابل استناد است که به دور از هرگونه تهدید یا اجبار و اضطراب به عمل آمده باشد.»

قسمت اول بند ۱ ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در این زمینه تصریح نموده:

«نباید اجبار به متهم ساختن خویش و یا اعتراف به ارتکاب جرم شود.»

علاوه بر این اساسنامه دیوان با اشاره به این که اقرار متهم نزد دادستان در صورتی برای شعبه بدوی معتبر است که داوطلبانه، آگاهانه و مستند به واقعیات موجود در پرونده باشد، در غیر این صورت اعتراف متهم به مجرمیت کان‌لم‌یکن تلقی می‌گردد، بر رعایت حق مزبور تأکید نموده است. بند ۱ ماده ۶۵ اساسنامه مقرر می‌دارد: «اگر مطابق با شق اول بند ۸ ماده ۶۴ متهم اعتراف

به مجرمیت خود کند برای شعبه بدوی باید محرز شود که آیا:

- متهم ماهیت و نتایج ناشی از اعتراف به مجرمیت خود را درک کرده است.

- اعتراف به مجرمیت از سوی متهم پس از مشورت با وکیلش و به صورت داوطلبانه بوده.

- اعتراف به مجرمیت متکی به واقعیات پرونده است.»

در بند ۳ ماده مذکور نیز ضمانت اجرای عدم رعایت موارد فوق را به این صورت پیش بینی نموده: «در صورتی که شعبه بدوی متقاعد نشود که مراتب مذکور در بند فوق محقق گردیده اعتراف به مجرمیت را کان‌لم‌یکن تلقی می‌کند...»

در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به حق مزبور اشاره‌ای نشده است اما دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده *Heaney and McGuinness V Ireland* چنین رأی داد: «اگرچه در ماده ۶ کنوانسیون صراحتاً ذکر نشده اما حق سکوت و حق مصونیت از خود اتهامی عموماً براساس معیارها و استانداردهای بین‌المللی از جمله برخورداری از یک رسیدگی عادلانه کیفری که در بند اول ماده ۶ تصریح شده به رسمیت شناخته شده است.» در واقع استدلال دادگاه این است که این حقوق - حق سکوت و حق مصونیت از خود اتهامی - به منظور حمایت از متهم در مقابل اجبار نادرست مقام تعقیب و همچنین اجتناب از انحراف عدالت و عدم تحقق اهداف ماده ۶ باید مورد توجه قرار گیرد. از نظر کمیته حقوق بشر سازمان ملل، اجبار متهم به امضای اظهاراتی که مبین مجرمیت اوست، نقض آشکار مفاد قسمت هفتم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی محسوب

می‌گردد. کمیته مزبور بر این باور است که دادگاه رسیدگی کننده به اتهام باید هر نوع ادعای مربوط به نقض حقوق متهم در مراحل مختلف تعقیب و تحقیق از جمله ادعای اجبار به اقرار را نیز مورد توجه و رسیدگی قرار دهد.

به عبارت دیگر حق مصونیت در مقابل خود اتهامی فرض را بر این قرار می‌دهد که مقام تعقیب در جریان یک رسیدگی کیفری به دنبال اثبات اتهام متهم بدون استناد به مدرکی است که با توسل به اجبار و برخلاف اراده متهم تحصیل شده است. بر همین اساس تحقیق از متهم باید دقیقاً با رعایت فرض بی‌گناهی وی باشد.^۱

گفتار دوم: حقوق ایران

در حقوق ایران اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌نماید: «... اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است...» بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر می‌نماید: «هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.»

اجبار به اقرار یا اعتراف به مجرمیت آن است که متهم تحت تأثیر تحریک، تهدید، وعده‌های امیدوار کننده، فشارهای روانی یا شکنجه و آزار، اتهام انتسابی را تصدیق و خود را عامل جرم مورد ادعا معرفی نماید.

اجبار به شهادت علیه خود نیز هنگامی است که متهم تحت تأثیر عوامل مذکور وادار به ارائه دلیل و ادای اظهارات موافق با مقام تعقیب یا شاکی خصوصی شود.

در حقوق اسلام نیز که مبنای حقوق ایران می‌باشد از جمله آدابی که ترکش برای دادرس واجب می‌باشد آن است که متهم را به ایراد ضرر برخورد تلقین نماید و در معنای حقوقی او را به اقرار علیه خود وادار نماید. حرمت تلقین بین فقها معروف بوده و مبنای آن اخبار و روایاتی است که در این زمینه مطرح شده است و مضمون آنها چنین است که زمانی که متهم قصد اقرار به زیان

1. Ibid . p. 384 & 385

خود را دارد، دادرسی باید وی را مانع شده و نگذارد اعتراف نماید .

به عبارت دیگر در حقوق اسلام نیز نه تنها قاضی نباید متهم را به اقرار علیه خود اجبار نماید بلکه حتی باید او را از اقرار و اعتراف علیه خود منع شود. (سنگلجی، آیین دادرسی در اسلام، ۳۸ و ۳۹)

گفتار سوم: سایر نظام های حقوقی

در حقوق ایالات متحده امریکا تحقیق نا متعارف از متهم و ضبط اسناد و مدارک او بدون رعایت مقررات مربوط نقض تضمین مورد بحث به شمار می رود و دلایل به دست آمده از این راه به هیچ وجه نمی توانند مورد استفاده دادگاه واقع شوند. (امیدی، حقوق بشر در دعاوی، ۷۴ و ۷۵)

در حقوق انگلیس به خاطر رویه ای که دادگاه های شاهی و مذهبی برای اعمال زور و فشار نسبت به متهم در پیش گرفته بودند، مورد اعتراض و تنفر قرار گرفتند. همین امر زمینه پذیرش حق سکوت و مصونیت را از خود متهم سازی (منع اجبار به اقرار/ حق عدم اقرار) در نظام حقوقی این کشور فراهم کرد تا آن که در قانون ادله اثبات کیفری (۱۸۹۸)، علاوه بر برخورداری متهم از حق سکوت در مرحله تحقیقات و بازجویی در مرحله محاکمه و دادرسی نیز این حق برای متهم به رسمیت شناخته شد. به عبارت دقیق تر در حقوق این کشور در امور جزایی، اقرار متهم فقط در موارد محدودی می تواند معتبر و قابل قبول باشد، اعتراف متهم به ارتکاب جرم فقط در مواردی قبول می شود که سلسله شرايطی به طور دقیق رعایت شده باشد و این شرایط عبارت است از این که اولاً اعتراف در مراحل مختلف دادرسی توأم با سوگند انجام شده و مورد انکار و ایراد متهم قرار نگرفته باشد. ثانیاً اعتراف با رضایت و آزادانه انجام گرفته باشد، به این معنا که از روی ترس و فشار و تهدید و یا امیدوار ساختن به نفعی توسط مقامات صلاحیت دار صورت نگرفته باشد. (منصور آبادی، سکوت متهم در دادرسی های جزایی، شماره ۲۴، ۲۲۵ و ۲۵۰)

مبحث دوم: حق سکوت

حق سکوت به این معنا که فرد می تواند ساکت بماند بدون این که سکوتش دلیل یا نشانه ای بر ارتکاب جرم باشد، مکمل حق مصونیت در مقابل خود اتهامی می باشد. به عبارت دیگر حق



مزبور با هدف حمایت از افراد در مقابل خود اتهامی هم در مرحله تحقیق و هم در مرحله دادرسی وجود دارد.

«عبارت حق سکوت مجموعه‌ای از حقوقی را که در یک سیستم عدالت کیفری اعمال می‌شوند توصیف می‌کند. این حقوق عبارتند از :

۱- معافیت کلی افراد و گروهها از اجبار به پاسخگویی به سؤالاتی که توسط افراد یا گروههای دیگر مطرح می‌شود.

۲- معافیت کلی افراد و گروهها از اجبار به پاسخگویی به سؤالاتی که پاسخ آن سؤالات ممکن است آنها را در معرض اتهام قرار دهد.

۳- معافیت ویژه کلیه افرادی که توسط پلیس و سایر مقامات رسمی تحت بازجویی قرار می‌گیرند از پاسخگویی به هرگونه سؤالی.

۴- معافیت ویژه کلیه متهمینی که تحت محاکمه قرار گرفته اند از اجبار به ارائه مدارک و همچنین از اجبار به پاسخگویی به سؤالاتی که در جایگاه متهم در دادگاه از آنها به عمل می‌آید. « این مبحث را در سه گفتار جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

گفتار اول: اسناد بین‌المللی

قسمت دوم بند ۲ ماده ۵۵ اساسنامه مزبور در بیان حقوقی که اشخاص تحت بازجویی از آن برخوردارند و باید مطلع شوند مقرر می‌دارد: «می‌تواند سکوت اختیار کند بدون این که آن سکوت دلالت بر مجرمیت یا بی‌گناهی وی داشته باشد.» همچنین قسمت هفتم ماده ۶۷ اساسنامه مقرر می‌دارد: «... می‌تواند سکوت اختیار کند بدون این که سکوت وی به منزله اعتراف و یا انکار تلقی شود.»

همچنین همانگونه که در مبحث قبل اشاره گردید در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به حق مزبور اشاره‌ای نشده است، اما دادگاه اروپایی حقوق بشر حق سکوت را بر اساس معیارها و استانداردهای بین‌المللی از جمله برخورداری از یک رسیدگی عادلانه کیفری که در بند اول ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تصریح شده، به رسمیت شناخته است.



گفتار دوم: حقوق ایران

در حقوق ایران ماده ۱۲۹ ق.آ.د.ک.د.ع و ۱ در امور کیفری چنین مقرر می‌دارد: ... چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید، امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود. بر همین اساس در حقوق ایران حق سکوت متهم به‌طور ضمنی به رسمیت شناخته شده است بدون این که اشاره یا تصریحی بر این معنا وجود داشته باشد که سکوت وی و یا امتناع از ادای توضیحات ممکن است به زیان وی تلقی شود. همانگونه که اشاره شد حق سکوت مکمل حق مصونیت در مقابل خود اتهامی می‌باشد. لذا عبارات بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که در مبحث قبل به متن آن اشاره گردید به‌طور تلویحی حاکی از آن است که اگر متهم در جریان بازجویی و تحقیقات از پاسخ دادن امتناع کرد، مقام‌های قضایی و مأمورین حق ندارند به اجبار او را وادار به اقرار و اظهار مطالبی کنند. متأسفانه به علت فقدان صراحت قانونی در این باب، تا اندازه زیادی راه سوء استفاده به‌ویژه در مقابل مأمورین و ضابطین دادگستری باز است. آنچه حائز اهمیت است و در سایر نظام‌های حقوقی نیز بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، سکوت متهم در مراحل اولیه و نزد مأمورین و ضابطین دادگستری است، زیرا احتمال سوء استفاده و نادیده گرفتن حقوق وی در این مرحله بیشتر است. برای جلوگیری از چنین سوء استفاده‌هایی، حق سکوت به عنوان حقی ویژه در بسیاری از نظام‌های حقوقی مورد شناسایی قرار گرفته است، که ضرورت دارد در نظام حقوقی ما نیز این حق در این مرحله حساس رسیدگی به‌طور خاص مورد توجه قرار گیرد. (همان، ۲۲۵ و ۲۵۰)

گفتار سوم: سایر نظام‌های حقوقی

حق سکوت متهم تقریباً در تمام نظام‌های حقوقی تضمین و پیش‌بینی شده است. در حقوق انگلیس بر اساس قانون شهادت کیفری (PACE) متهمین حق سکوت داشتند بدون این که از سکوت متهم تفسیر به زیان او به عمل آید. اما در سال ۱۹۸۸ دولت مخالفت خود را نسبت به حق سکوت آغاز کرد و مبنای مخالفت دولت این بود که افراد بی‌گناه هیچ ترسی از بیان حقیقت ندارند، بنابراین باید اجازه داده شود که از امتناع متهم از پاسخگویی به سؤالات استنباطی



به زیان او به عمل آید. دولت قصد خود را از وضع قانونی با این مفهوم اعلام نمود و گروهی را جهت بررسی موضوع منصوب کرد. گزارش این گروه که در سال ۱۹۸۹ ارائه شد مضمون همان هدفی را که دولت قبلاً بیان کرده بود داشت.

گزارش اذعان نمود که اعمال حق سکوت متهم بدون این که استنباطی به زیان او به عمل آید، تعادل را به نفع متهم به هم می‌زند. بر اساس مدارک ارائه شده توسط پلیس، حق سکوت به طور گسترده‌ای به‌ویژه توسط مجرمین حرفه‌ای با تجربه اعمال می‌شود. یعنی افرادی که حق خود را به برخورداری از مشاوره حقوقی اعمال نموده و به احتمال زیاد به آنها توصیه می‌شود که ساکت بمانند و این امر موانع جدی را برای پلیس جهت تحصیل مدرک و حمایت از قربانیان بوجود می‌آورد.

گزارش مزبور اعتراض و انتقادات بسیاری را به دنبال داشت. منتقدین چنین استدلال می‌کردند که:

اولاً تعداد بسیار کمی از افراد از پاسخگویی به سؤالات امتناع می‌کنند.

ثانیاً این یک سیاست عمومی نیست که مشاوران و وکلا به موکلین خود توصیه نمایند که از پاسخگویی امتناع کنند.

ثالثاً هیچ مدرکی وجود ندارد که سکوت مانع از آن شود که مقام تعقیب نتواند از قربانیان حمایت نماید.

علاوه بر موارد فوق منتقدین به‌ویژه بر این نکته تأکید می‌کردند که افراد در اداره پلیس تحت فشار هستند. آنها احتمالاً از جزئیات پرونده‌ای که علیه آنها مطرح شده اطلاع ندارند، زمان مناسبی هم برای فکر کردن دقیق راجع به آنچه اتفاق افتاده ندارند و احتمالاً گمراه و سرگشته می‌شوند. با توجه به چنین اوضاع و احوالی منطقی است که متهم چیزی نگوید. زیرا این خطر وجود دارد که آنچه را که متهم می‌گوید ممکن است به زیان او تمام شده و در نتیجه بی‌گناهی وی بر اساس یک پیش‌داوری نادرست و غیرموجه در معرض مخاطره قرار گیرد.

برای ارزیابی آنچه بیان شد باید دید علت امتناع متهم از پاسخگویی به سؤالات چیست. آیا متهم از جزئیات پرونده‌ای که علیه او مطرح شده و او را ملزم به پاسخگویی می‌کند مطلع می‌باشد؟



آیا عوامل و فاکتورهایی که فهم آنچه را که علیه وی مطرح شده مشکل می‌سازد از قبیل عدم توان مالی جهت بهره‌گیری از مساعدت وکیل یا عدم بلوغ فکری مناسب وجود دارد؟ آیا پلیس وی را به‌طور غیرعادلانه و غیرقانونی تحت فشار روانی قرار داده است؟

تمام این عوامل می‌توانند معنایی که از سکوت استنباط می‌شود، تحت تأثیر قرار دهند. همچنین تفسیر منفی از سکوت متهم، نقض غرض آشکار است، چه با تفسیر منفی به‌طور غیر-مستقیم به متهم اعلام داشته‌ایم که از این حرف چشم پوشی کن والا به زیانت تمام می‌شود در این صورت بهره‌مندی از این حق بیهوده جلوه می‌کند. (همان، ۲۰) لذا نباید استنباط از سکوت به زیان متهم باشد. در مجموع در حقوق این کشور برخورداری متهم از حق سکوت در مرحله قبل از محاکمه و در جریان بازجویی‌ها و اقداماتی که توسط پلیس صورت می‌پذیرد به صراحت پیش بینی شده است. بر این اساس پلیس انگلیس مکلف است در هنگام بازجوئی، سؤال و جواب، تنظیم صورت‌مجلس و نوشتن اظهارات متهم، مقدماتی را انجام دهد و مطالبی را به متهم تفهیم کند و به او هشدار دهد که «مجبور به پاسخگویی نیست ولی اگر حرفی بزند یا مطلبی بگوید، ممکن است به عنوان دلیل در دادگاه علیه او از آن استفاده شود». اگر پلیس چنین هشدار را به متهم ندهد و او را از حقی که دارد و سرنوشتی که در انتظار اوست باخبر نسازد، کلیه اظهارات مندرج در صورت جلسه بازجویی و امضاهای متهم که در ذیل آن قید شده باطل و بلااثر است، در نتیجه پرونده متشکله فاقد دلیل تلقی می‌شود و دادگاه به سبب فقد دلیل، حکم برائت متهم را صادر می‌کند. در حقوق آمریکا با دید مثبت و خوش‌بینانه‌تری به حق سکوت نگریده شده است و به صورت جدی‌تری مورد توجه دادگاه‌ها و رویه قضایی این کشور قرار گرفته است. بر همین اساس در حقوق آمریکا، ذیل عنوان «حمایت از حق سکوت»، آرای متعددی از دیوان عالی آن کشور به چشم می‌خورد که همگی حکایت از احترام به حق مزبور دارد. معروف‌ترین پرونده‌ای که در نیم قرن اخیر، مسأله حق سکوت در آن مطرح شده است و به عنوان قاعده در حقوق آمریکا قابل شناسایی است، پرونده میراندا علیه آریزونا در سال ۱۹۶۶ است. قاعده میراندا ناظر به رأیی است که دیوان عالی آمریکا در پرونده مزبور صادر کرد. میراندا راننده‌ای ۲۳ ساله بود که در سال ۱۹۶۳ در ایالت آریزونا متهم به جرم آدم‌ربایی و تجاوز به عنف شد و در نتیجه تجدید نظر خواهی وکیل میراندا،



دیوان عالی آمریکا رای را نقض و ضوابط خاصی را مقرر کرد. استدلال دیوان این بود که میراندا از حقوق خود مبنی بر کمک گرفتن از وکیل یا سکوت کردن آگاه نبوده است و در ادامه رأی مزبور، هفت مورد را مطرح می‌کند که از آن پس پلیس آمریکا باید قبل از بازداشت و بازجویی متهم به آگاهی او برساند. این هفت مورد بعدها به قاعده میراندا شهرت یافت و به‌طور خلاصه شامل این موارد است: «شما حق سکوت دارید، آنچه می‌گویید ممکن است در دادگاه علیه شما استفاده شود، شما حق دارید با یک وکیل مشورت کنید، در صورتی که بضاعت مالی برای انتخاب وکیل ندارید، دولت برای شما وکیل استخدام می‌کند». متهم پس از شنیدن حقوق خود می‌تواند وکیلی اختیار کند یا کتباً از حقوق خود چشم‌پوشی کند. به دنبال آن در سال ۱۹۶۸ دولت آمریکا قانونی را به تصویب رساند که آشکارا قاعده میراندا را نسخ می‌کرد. در عین حال وزارت دادگستری آمریکا به علت مغایرت این قانون با قانون اساسی، آن را اجرا نکرد تا این که در سال ۲۰۰۰ دیوان عالی این کشور رسماً قانون مزبور را مغایر با قانون اساسی اعلام کرد. (همان، ۱۶ و ۱۷) در قضیه میراندا، دیوان عالی آمریکا این موضوع را مورد تحلیل قرار داد که سکوت متهم را به گونه‌های مختلفی می‌توان تأویل و تفسیر کرد. دیوان چنین نتیجه گرفت که تفسیر منفی بالاترید با بهره‌مندی متهم از حق مزبور مغایرت دارد. گذشته از این حق سکوت در پرتو قاعده مصونیت از خود متهم سازی برای متهم در نظر گرفته شده است. این قاعده به وضوح حکایت از این دارد که متهم به منظور رفع اتهام از خود، می‌تواند هر اقدام و رفتاری را که صلاح می‌داند انجام دهد؛ از جمله برای تأمین چنین منظوری می‌تواند سکوت اختیار کند و خود را از موضع اتهام و تهمت دور نگهدارد. حال اگر از سکوت او تفسیر منفی به عمل آید، این قاعده بی‌فایده و عبث خواهد بود. (همان، ۲۲۵ و ۲۵۰)

در حقوق فرانسه نیز به گونه‌ای خاص این حق مورد توجه قرار گرفته است. به موجب ماده ۱۱۶ قانون آئین دادرسی کیفری این کشور، قاضی تحقیق مکلف است در اولین بازجویی از متهم، او را از افعال منتسبه آگاه کند و به او اعلام کند که از آزادی کامل برخوردار است، می‌تواند سکوت کند یا به سؤال‌ها پاسخ بگوید. این مطلب باید در صورت‌مجلس قید شود. (همان، ۲۲۵ و ۲۵۰)



مبحث سوم: حق برخورداری از معاضدت و کیل و مترجم

امروزه با توجه به این که بر ضرورت «تساوی سلاح‌ها» بین اصحاب دعوی تأکید می‌شود و به‌ویژه این که هدف از دادرسی کیفری دستیابی به واقعیت امر و نه انجام تشریفات صوری رسیدگی است، به تدریج از سری بودن تحقیقات مقدماتی نسبت به متهم و وکیل مدافع او کاسته شده است و به وکیل مدافع اجازه حضور در انجام تحقیقات مقدماتی داده می‌شود. (آشوری، آیین دادرسی کیفری، ۲۳) به عبارت دیگر صدور حکم عادلانه را نمی‌توان ناشی از رسیدگی دقیق به پرونده‌ای دانست که به طریق تفتیشی و بدون مداخله وکیل مدافع و دفاع مؤثر و مفید متهم از خود، تهیه و تمهید شده باشد؛ به این معنا که بی‌طرفی قاضی یا قضات دادگاه در رسیدگی به پرونده‌ای که اصول صحیح دادرسی در آن در مرحله تحقیقات مقدماتی نادیده انگاشته شده باشد، برای صدور حکمی مبتنی بر موازین عدالت کافی نیست. به همین جهت حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی و اطلاع او از محتویات پرونده، بی‌تردید باید از جمله اصول منصفانه دادرسی و موافق با اصل برائت که متهم باید تا زمان اثبات اتهام بی‌گناه فرض شود و از تضمین‌های دفاع در تمام مراحل رسیدگی برخوردار باشد، محسوب شود. (آشوری، نگاهی به حقوق متهم، ۵۴)

خصوصاً اگر این نکته مورد توجه واقع شود که در پرونده‌های کیفری تحقیقات مقدماتی بسیار سرنوشت ساز بوده و حضور وکیل در این مرحله تا چه حد می‌تواند در تغییر مسیر پرونده به نفع متهم مؤثر باشد. که این مبحث را در سه گفتار جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

گفتار اول: اسناد بین‌المللی

قسمت سوم بند ۲ ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در بیان حقوقی که افراد در مرحله تحقیقات مقدماتی از آن برخوردارند و باید مطلع شوند مقرر می‌دارد: «... می‌تواند از مساعدت‌های حقوقی که به او اختصاص می‌یابد استفاده نماید. بدیهی است در صورتی که اجرای عدالت ایجاب نماید که مساعدت‌های حقوقی به وی داده شود اما او قادر به تأمین هزینه‌های آن نباشد، آن مساعدت‌ها به صورت رایگان به او ارائه خواهد شد.» به‌ویژه قسمت آخر بند ۲ ماده



مزبور اشعار داشته که بازجویی از وی در حضور وکیل صورت می‌گیرد، مگر آن‌که خود وی از این حق صرف نظر نماید. و ماده ۶۵ اساسنامه نیز اعتراف متهم به مجرمیت خود نزد دادستان را در صورتی برای شعبه بدوی قابل پذیرش می‌داند که اعتراف متهم پس از مشورت با وکیلش و داوطلبانه صورت گرفته باشد.

گفتار دوم: حقوق ایران

در حقوق ایران در آغاز به علت تفتیشی بودن تحقیقات مقدماتی، وکیل مدافع در این مرحله از جریان تحقیقات به دور نگه داشته شده بود. در اصلاحات سال ۱۳۳۵ تبصره الحاقی به ماده ۱۱۲ ق.ا.د.ک امکان حضور وکیل متهم را در تحقیقات بدون این‌که مشارالیه حق داشته باشد در جریان تحقیق مداخله کند، پذیرفت.

متأسفانه ق.ا.د.د.ع و ۱ در امور کیفری تحدیدات بیشتری را نسبت به حق دفاع متهم و برخورداری از معاضدت وکیل در این مرحله قائل شده است. (همان، ۲، ۲۶). به موجب ماده ۱۲۸ ق.ا.د.د.ع و ۱ در امور کیفری و تبصره آن در سه مورد اگر قاضی رسیدگی کننده موافقت نکند متهم از داشتن وکیل مدافع محروم خواهد بود:

۱- در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد.

۲- در صورتی که حضور غیر متهم موجب فساد گردد.

۳- در جرایم علیه امنیت کشور.

تشخیص فساد و محرمانه بودن و این‌که جرم امنیتی می‌باشد یا خیر؛ لاجرم با قاضی رسیدگی کننده است. به این ترتیب قاضی تحقیق به سهولت می‌تواند متهم را به‌ویژه به بهانه وجود فساد، از داشتن وکیل مدافع محروم کند. این محرومیت مخصوصاً در جرایم مهم که اقتضای مجازات‌های سنگین از قبیل اعدام، صلب، رجم، قطع، حبس دائم و نظایر آن را دارند و تحقیقات مقدماتی پایه و اساس پرونده را تشکیل می‌دهد، با هیچ منطقی سازگار نیست. (آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ۴، ۲۴۰)

به عبارت دیگر قاضی به بهانه‌های مختلف می‌تواند تا مدت زمان طولانی رسیدگی به

پرونده از مداخله وکیل مدافع ممانعت به عمل آورد. لذا در جهت تضمین هر چه بیشتر حقوق متهم در این مرحله و تحقق هر چه بهتر اصل برائت باید ترتیبی اتخاذ شود که متهم بدون هیچ محدودیتی در این مرحله حساس رسیدگی به پرونده، وکیل مدافع خود را همراه داشته باشد و اگر امکانات مالی برای برخورداری از معاضدت وکیل نداشته و تحقق عدالت اقتضای برخورداری از مساعدت حقوقی را نماید، باید مساعدت حقوقی رایگان در اختیار وی گذارده شود.

گفتار سوم: سایر نظام های حقوقی

در غالب نظام های حقوقی حضور و مداخله وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی پذیرفته شده است. از جمله می توان به ماده ۱۱۴ ق. آ. د. ک فرانسه اشاره کرد: «متهم یا شاکی خصوصی را جز در مواردی که به صراحت از آن صرف نظر نمایند، فقط در حضور وکلای آنان یا پس از دعوت از وکلا طبق ضوابط قانونی می توان مورد تحقیق یا مواجهه قرار داد.» (آشوری، آیین دادرسی کیفری، ۲، ۲۴)

در چین به دنبال اصلاحاتی که در ق. آ. د. ک این کشور به عمل آمد و در سال ۱۹۹۷ به مرحله اجرا گذاشته شد، زمان مداخله وکیل یا شخص دفاع کننده از متهم در دعاوی کیفری به جلو انداخته شد. به این معنا که آیین دادرسی کیفری قبلی فقط از مرحله شروع جلسات رسیدگی دادگاه به متهم اجازه می داد که وکیل خود را همراه داشته باشد و از معاضدت او برخوردار شود، در حالی که ق. آ. د. ک جدید مداخله وکیل مدافع را از همان مرحله تحقیقات مقدماتی و به منظور کمک به شخص مظنون تجویز نموده است. چنین است که ماده ۹۶ قانون مذکور مقرر می دارد: «مظنون می تواند از مشاوره حقوقی یک وکیل مدافع به انتخاب خود بهره مند گردد و از همان نخستین بازجویی که از سوی نهاد عهده دار تحقیقات مقدماتی به عمل می آید یا از روزی که یک تصمیم الزام آور نسبت به مظنون اتخاذ می گردد، دلایل و تقاضای مظنون توسط وکیل مدافع به نمایندگی از سوی او ارائه می شود.» (چن گوانگ سونگ، حقوق و علوم سیاسی، ۴۲، ۱۶)

در حقوق بلژیک وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی وقتی پذیرفته می شود که متهم در بازداشت موقت باشد. در این سیستم دسترسی کامل و بدون محدودیت به اوراق پرونده کیفری در



دادسرا وقتی امکان دارد که مرحله تحقیقات مقدماتی پایان یافته باشد. (خزانی، پیشین)
 قانون سوریه برای وکیل مدافع حق سخن گفتن در اثنای تحقیقات را با اجازه بازپرس قائل
 شده است. لذا باز پرس می‌تواند در صورت لزوم مانع مداخله وکیل شود.
 در این صورت وی ملاحظات خود را طی لایحه‌ای به بازپرس تقدیم می‌کند تا ضمیمه
 صورتجلسه استنطاق گردد.

اما در ارتباط با حق برخورداری از مساعدت مترجم در این مرحله قسمت سوم بند ۱ ماده ۵۵
 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد:

«باید از مساعدت رایگان یک مترجم توانا (که امر ترجمه را آنچنان که شایسته یک ترجمه
 مناسب است انجام می‌دهد) بهره برد. مساعدت مترجم در صورتی است که بازجویی‌ها از اشخاص
 به زبان دیگری غیر از زبانی که شخص کاملاً درک و صحبت می‌کند صورت گیرد.»

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اشاره‌ای به
 حق مزبور در مرحله تحقیقات مقدماتی و بازجویی ننموده‌اند، اما در یکی از آرایسی که از سوی
 دادگاه اروپایی حقوق بشر صادر شده اظهار نظر شده است که حق برخورداری از مساعدت مترجم
 محدود به مرحله دادرسی و رسیدگی دادگاه نمی‌باشد بلکه در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز اعمال
 می‌گردد.^۲

به نظر می‌رسد استدلال دادگاه در صدور رأی مذکور این است که:

اولاً اقتضای دادرسی یا محاکمه عادلانه که در اسناد بین‌المللی تصریح شده است، تحقق
 عدالت در تمام مراحل رسیدگی می‌باشد.

ثانیاً اصل تساوی سلاح‌ها به عنوان یکی از ارکان دادرسی عادلانه در هر مرحله از رسیدگی
 حضور دارد و لازمه تحقق اصل مزبور این است که متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز در
 صورتی که انجام تحقیقات به زبانی است که برای وی غیر قابل فهم می‌باشد از مساعدت یک
 مترجم برخوردار باشد.

ثالثاً در اسناد بین‌المللی حقوق بشر بی‌گناهی متهم همراه با برخورداری از تمام تضمین‌های

2. P. Van Dijk and G.J.H. Van Hoof. Op . Cit . p 478

دفاعی، مورد تأکید واقع شده است. لذا برای این که شخص قادر باشد دفاعی مناسب تدارک ببیند لازم است در صورتی که انجام تحقیقات به زبان دیگری غیر از زبانی است که او می‌فهمد از مساعدت یک مترجم در این مرحله برخوردار باشد.

در نهایت از آنجا که فرض بر براءت و بی‌گناهی متهم است، باید از تحمیل هر گونه هزینه و خسارت به متهم تا قبل از اثبات اتهامش، اجتناب گردد. لذا در جهت تحقق این معنا همانگونه که در اساسنامه تصریح شده است، این مساعدت باید رایگان باشد.

مبحث چهارم: آزادی متهم و تحدید موارد بازداشت موقت

بازداشت موقت متهم عبارت است از سلب آزادی از متهم و زندانی کردن او در طول تمام یا قسمتی از تحقیقات مقدماتی توسط مقام صالح قضایی. این سلب آزادی از متهم ممکن است در طول جلسات رسیدگی دادگاه و تا صدور حکم قطعی نیز ادامه یابد. (آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ۲، ۱۳۴) بازداشت موقت که با صدور قرار از سوی مقام رسیدگی کننده محقق می‌شود شدیدترین نوع قرارهای تأمین کیفری است درست است که در سایر انواع قرارها مثل کفالت یا وثیقه، نیز اگر متهم قادر به معرفی کفیل و یا سپردن وثیقه نباشد به بازداشت او منجر می‌شود و از این لحاظ با قرار بازداشت موقت نتیجه یکسانی دارند مع الوصف در قرار نوع اخیر متهم با وجود امکان معرفی کفیل یا سپردن وثیقه باز هم زندانی می‌شود.

۱۳۱

بازداشت موقت بدون تردید مطمئن‌ترین وسیله‌ای است که در اختیار قضات کیفری قرار داده شده است برای جلوگیری از این که متهم در طول تحقیقات مقدماتی و حتی ادامه آن در تحقیقات نهایی و بالاخره در مرحله قطعیت حکم و اجرای مجازات نتواند با فرار یا مخفی کردن خود موجبات اختلال در رسیدگی به جرم و تاخیر و عدم موفقیت در اجرای حکم کیفری را فراهم سازد. کشف و تعقیب جرم و جمع آوری دلایل و حسب لزوم مواجهه متهم با گواهان و شرکا و معاونان جرم، با این اقدام بهتر و آسانتر انجام می‌پذیرد.

بازداشت موقت اقدامی است مؤثر در جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم خصوصاً توسط بزهکاران حرفه‌ای و وسیله‌ای است ضروری برای پیشگیری از این که متهم با آزادی و فراغت، آثار و دلایل



جرم مثل اسناد و اوراق، آلات و ادوات مربوط به بزه ارتكابی را ضمن تبانی با شهود قضیه یا شرکا و معاونان جرم محو و نابود سازد و سرانجام در مواردی که جرم ارتكابی از نوع جنایات هولناک و نفرت انگیز است و حفظ جان متهم در قبال انتقام خصوصی خانواده مجنی علیه و همچنین هیجان و خشم عمومی برای محاکمه و اجرای عدالت اهمیت دارد، قرار بازداشت موقت برای سهولت در انجام امر تحقیق، ضروری خواهد بود. (خزایی، کانون وکلای مرکز، ۱۴۸، ۱۰۸) به لحاظ همین ضرورت است که برخی از علمای حقوق جزا مانند گاروفالو را عقیده بر آن است که توقیف متهمین در حین بازرسی به علت آن که بهتر به کشف حقیقت کمک می‌کند کاملاً ضروری است. (آشوری، آیین دادرسی کیفری، ۵)

مع الوصف بازداشت مزبور با اصل برائت که مورد تأکید اعلامیه‌های حقوق بشر می‌باشد و به موجب آن هر یک از افراد جامعه بایستی قبل از محکومیت از آزادی مطلق برخوردار باشند، مغایرت دارد.

اهمیت اصل برائت که در قوانین اساسی بسیاری از کشورها گنجانیده شده، آدولف پرنس حقوقدان و بانی مکتب دفاع اجتماعی بلژیکی را بر آن داشته که بگوید: «توقیف احتیاطی متهم ما را به نتیجه‌ای نامطلوب هدایت می‌کند. چه، از یک سو می‌پذیریم که هنوز بامتهم سر و کار داریم نه با مجرم؛ و در نتیجه حق مجازات او را در مرحله بازرسی نداریم. از سوی دیگر به بهانه دفاع از جامعه و اجرای صحیح تر عدالت، قرار بازداشت او را صادر نموده و قبل از ثبوت مجرمیت سخت‌ترین مجازات‌ها را که فلاکت و بی‌آبرویی متهم را به دنبال دارد درباره او اعمال می‌کنیم.» بازداشت متهم علاوه بر آن که مغایر با اصل برائت بوده و به آزادی وی لطمه می‌زند ممکن است به حق دفاع او نیز زیان وارد آورده و به خصوص در سرنوشت محاکمه مؤثر باشد؛ زیرا متهمی که در بازداشت به سر می‌برد قادر به جمع‌آوری دلایل لازم به منظور اثبات بی‌گناهی خود و ارائه آنها به محضر دادگاه نمی‌باشد. ایراد اساسی دیگری که بر بازداشت موقت متهم وارد است این است که نهاد حقوقی مذکور علاوه بر آن که با اصل برائت مغایرت داشته و احیاناً به حق دفاع وی نیز لطمه می‌زند، باتوجه به سیاست‌نویین جزایی با برخی از نهادهای دیگر حقوق جزا همچون تعلیق و به خصوص تعلیق مراقبتی که خود از حربه‌های مؤثر مبارزه با مجرمیت‌اند ناسازگار است زیرا



سیاست کیفری نوین با توجه به خاصیت جرم زدایی زندان تمایل به گسترش موارد تعلیق مجازات و در نتیجه جلوگیری از زندانی شدن متهم را دارد. (همان، ۵)

علاوه بر این در گزارش‌های مطرح شده در پانزدهمین کنگره بین‌المللی حقوق جزا آمده است که اصل براءت در تمام مراحل دعوی کیفری معتبر است و وقتی پایان می‌پذیرد که دعوی به اعتبار امر مختومه بیانجامد. تأمین‌های کیفری که آزادی متهم را محدود و او را ملزم و مجبور می‌نماید، مثل قرار بازداشت موقت در مرحله تحقیقات مقدماتی که هنوز اتهام به اثبات نرسیده، جنبه شبه مجازات دارد و مغایر با اصل براءت است که به موجب آن مجازات قبل از انجام یک دادرسی منصفانه ممنوع است. (خزانی، کانون وکلای مرکز، ۴۶۸)

علیرغم آنچه گفته شد باید توجه داشت که انتقادات مذکور هر قدر هم وارد باشد نمی‌توان همه آنها را پذیرفت و مانند‌ای معتقد شد که بازداشت موقت به کلی بایستی از قانون حذف گردد. زیرا همانگونه که اشاره شد پذیرفتن چنین دامنه گسترده و مطلق برای اصل براءت در پاره‌ای از موارد ما را با مشکلات غیر قابل جبران اجتماعی مواجه می‌کند و تأمین مصالح و امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد. (آشوری، نگاهی به حقوق متهم، ۵۷) اما از آنجایی که بازداشت متهم نقطه تلاقی آزادی فردی و نظم اجتماعی است باید با هدف تضمین هر چه بیشتر تحقق اصل براءت همراه با آثار آن، سعی در تلفیق این دو با یکدیگر شود که این مبحث در سه گفتار جداگانه بررسی می‌نماییم:

گفتار اول: اسناد بین‌المللی

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی پس از آن که در قسمت چهارم بند ۱ ماده ۵۵ مقرر می‌نماید:

«... نباید خود سرانه و بلاجهت دستگیر و بازداشت شوند و نباید آزادی آنها سلب گردد

مگر مطابق جهات و ترتیباتی که در این اساسنامه مقرر شده است.»

در ماده ۵۸ ضرورت بازداشت افراد را چنین بیان می‌دارد:

«... بازداشت شخص به جهات زیر ضروری به نظر برسد:



- ۱- حصول اطمینان از حضور وی در محاکمه
 - ۲- حصول اطمینان از این که شخص مزبور مانعی در راه تحقیقات و یا رسیدگی دادگاه ایجاد می‌کند و یا انجام آنها را به خطر می‌اندازد.
 - ۳- هرگاه مورد اقتضا نماید، بازداشتن شخص از ادامه ارتکاب آن جرم و یا جرم مرتبط با آن که در محدوده صلاحیت دیوان است و از همان اوضاع و احوال ناشی شده است.»
- سپس در بند ۴ ماده ۶۰ با مد نظر قرار دادن قاعده کلی اصل آزادی انسان‌ها قبل از اثبات اتهام و به منظور جلوگیری از تضییع حقوق متهم به علت طولانی شدن مدت بازداشت موقت مقرر می‌نماید: «شعبه مقدماتی باید اطمینان حاصل نماید که شخص بازداشت شده به جهت تأخیر ناموجه دادستان، مدت غیر معقولی را قبل از محاکمه در بازداشت نباشد. اگر چنین تأخیری رخ دهد، دیوان موظف است آزادی مطلق یا مشروط وی را مورد بررسی قرار دهد.»
- بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پس از بیان این که از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی نمود مگر به جهت و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون در بند ۳ همین ماده چنین مقرر می‌دارد: «هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می‌شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرس یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود. بازداشت اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قانون کلی باشد.»
- در مجموع از ارزیابی مطالب بیان شده راجع به قرار بازداشت موقت متهم همچنین بررسی مواد مذکور فوق به منظور صیانت از حقوق و آزادی‌های فردی متهم قبل از محاکمه، بر حسب ضرورت‌های ناشی از اصل برائت باید نتایج زیر را مورد توجه قرار داد:
- ۱- در مرحله تحقیقات مقدماتی یعنی قبل از مرحله دادرسی و صدور حکم، در تصمیماتی که اجبار و الزام متهم را به دنبال دارد، باید اصل تناسب که «یک رابطه منطقی است بین اهمیت امری که متهم به آن مجبور می‌شود و با حقوق و آزادی‌های او معارض است از یک طرف و هدف نهایی تحمیل چنین امری از طرف دیگر» رعایت شود.
 - ۲- به دلیل اهمیت اصل برائت قاضی باید مستدلاً با توجه به عوامل ویژه درباره بازداشت



موقت تصمیم بگیرد و نگه داشتن متهم در بازداشت موقت بدون وجود قراین کافی مطلقاً ممنوع است. (خزانی، کانون وکلای مرکز، ۴۷۴) قراینی که موجب بازداشت متهم می‌باشد باید به موجب قانون تعیین گردد.

۳- بازداشت موقت خلاف اصل آزادی انسان‌ها است و برابر موازین شناخته شده قضایی و عدالت کیفری باید به صورت استثنایی و در مواقع خاص به موقع اجرا گذاشته شود و به گفته تهیه کنندگان میثاق، بازداشت اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قانون کلی باشد. (آخوندی، بازداشت موقت، ۲۱، ۲۴)

در همین زمینه سازمان ملل متحد نیز در رهنمودهای خود برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان که به رهنمودهای ریاض معروف است، در توصیه شماره ۱۳ متذکر شد که بازداشت قبل از محاکمه باید به عنوان «آخرین چاره» و «برای کوتاهترین دوره زمانی ممکن» مورد استفاده قرار گیرد. (آشوری، آیین دادرسی کیفری، ۲، ۱۳۵) لذا باید از طریق مسلح کردن قضات تحقیق به ابزارهای نوین و جایگزین‌های مجازات زندان از گسیل داشتن متهمین به زندان جلوگیری به عمل آید. به عبارت دیگر، تفرید تصمیمات قضایی نیازمند این است که قانونگذاران سلاح‌های مختلف را در اختیار بازرسان و قضات تحقیق قرار دهند تا آنان در هر مورد و در هر پرونده قادر به انطباق تصمیمات با اوضاع و احوال و شخصیت متهم باشند. (آشوری، نگاهی به حقوق متهم، ۵۹)

۱۳۵

۴- همانگونه که در اسناد مورد اشاره تصریح شده است بازداشت متهم باید در مهلت معقولی خاتمه یابد به این معنا که یا فوراً برای دادرسی حاضر شده و به تصریح قسمت سوم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بدون تأخیر غیر موجه درباره او قضاوت شود یا این که آزاد گردد.

۵- تضمین دیگری که برای آزادی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی وجود دارد لزوم اعتماد به اختیاری بودن بازداشت و تشخیص ضرورت آن از سوی قاضی است. بدین ترتیب اجباری بودن قرار بازداشت موقت با ضرورت این تشخیص مغایر است. به همین دلیل امروزه در اغلب کشورها بازداشت موقت اجباری لغو گردیده است که از آن جمله می‌توان به قانون ۱۴ ژانویه ۱۸۶۵ فرانسه، قانون ۱۹۵۶ چکسلواکی و قانون ۱۹۸۸ ایتالیا اشاره نمود.

کمیته وزیران اروپا در قطعنامه (۱۱) ۶۵ مورخ ۹ آوریل ۱۹۶۵ به کشورهای عضو توصیه کرده



است که از توسل به بازداشت اجباری امتناع ورزند و به تدریج درصد الغای آن بر آیند. (آشوری، نگاهی به حقوق متهم، ۵۹)

گفتار دوم: حقوق ایران

در حقوق ایران متأسفانه قانونگذار بدون توجه به اسناد بین‌المللی حقوق بشر و بدون ملاحظه اصل برائت که در اصل ۳۷ قانون اساسی تضمین شده است، سیاست کیفری خود را جهت تجویز و توسعه این اقدام تأمینی تنظیم نموده است. زیرا اولاً نه تنها قانونگذار برخلاف توصیه مجامع بین‌المللی و قوانین اساسی بسیاری از کشورها در جهت حذف قرار بازداشت موقت اجباری بر نیامده بلکه در قانون جدید موارد اعمال آن را افزایش داده است.

ثانیاً مصادیق قرار بازداشت موقت اختیاری به اندازه‌ای کلی و زیاد است که قاضی در عمل می‌تواند هر فردی را که بخواهد بازداشت نماید. به عبارت دیگر در قانون آیین دادرسی کیفری مرجع قضایی در برخی موارد مجاز به صدور قرار بازداشت موقت و در برخی موارد دیگر ملزم به صدور این قرار شناخته شده است این امر به خوبی نشان می‌دهد که هدف قانونگذار تعیین دو دسته موارد اختیاری و موارد الزامی برای صدور قرار بازداشت موقت بوده است که ابتدا موارد اختیاری و سپس موارد الزامی صدور قرار بازداشت موقت را بررسی می‌نماییم:

اول موارد اختیاری صدور قرار بازداشت موقت: در برخی موارد مشخص شده در قانون هرگاه قراین و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، صدور قرار بازداشت موقت جایز است. (ماده ۳۲ ق.آ.د.ک) معنای "جایز بودن صدور قرار بازداشت موقت" این است که به‌منظور جلوگیری از فرار متهم و تضمین حضور او، مرجع تحقیق محدود به صدور دیگر قرارهای تأمین (قرار التزام به حضور با قول شرف - قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام - قرار وثیقه - قرار کفالت) نیست و می‌تواند در صورتی که اصل لزوم تناسب قرار ایجاب کند از پنجمین قرار تأمین یعنی قرار بازداشت استفاده نماید بدین ترتیب و با توجه به پیش‌بینی موارد الزامی صدور قرار بازداشت موقت در ماده ۳۵ همین قانون می‌توان بر این عقیده بود که در موارد مذکور در ماده ۳۲ صدور قرار تأمین دیگری غیر از بازداشت موقت توسط مرجع قضایی، تخلف محسوب نشده و این موارد را



می‌توان موارد اختیاری صدور قرار بازداشت موقت نامید. موارد اختیاری صدور بازداشت موقت بدین شرح در ماده ۳۲ ق.ا.د.ک پیش بینی شده است: "الف - جرایمی که مجازات قانونی آن اعدام، رجم، صلب و قطع عضو باشد. ب- جرایم عمدی که حداقل مجازات قانونی آن سه سال حبس باشد. ج- جرایم موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی د- در مواردی که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده و یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین واقعه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع نمایند. همچنین هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود. ه- در قتل عمد با تقاضای اولیای دم برای اقامه بینه به مدت شش روز."

با دقت در بندهای فوق معلوم می‌شود که قانونگذار در برخی از آنها به تعیین مصداق جرائمی پرداخته که در آنها صدور قرار بازداشت متهم جایز است، (بندهای الف، ب، ج، ه) و در برخی دیگر به بیان ضابطه صدور این قرار پرداخته است. (بند د) هر چند که در این روش، مقام تحقیق ناگزیر به مراجعه به مواد دیگری از قانون برای شناخت دقیق‌تر برخی مصداق جرائم است، (مثلاً برای این که بداند چه جرائمی مجازات اعدام دارند) اما همه این جرائم، با اندک استثنا آتی، یک وجه مشترک دارند و آن این که عموماً جرائم مهمی هستند که از نظر قانون‌گذار صدور قرار بازداشت متهم در آنها موجه است. مجازات‌های همچون اعدام، حبس ابد یا رجم ممکن است متهم را به فرار و عدم حضور در مرجع قضایی ترغیب کند و تأمین حضور او نزد این مرجع با استفاده از سایر قرارهای تأمین دشوار به نظر می‌رسد. در مورد بند (د) نه اهمیت جرمی خاص، بلکه اوضاع و احوال خاص یک جرم، اقدام به صدور قرار بازداشت متهم را توجیه می‌کند. یعنی در غیر از موارد جرائم مهم مذکور در بندهای (الف)، (ب)، (ج) و (ه) نیز، در هر جرم دیگری هم که ملاک مذکور در بند (د) محقق باشد، صدور قرار بازداشت جایز است. این ملاک این است که آزاد بودن متهم "موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شود" و یا "باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین" و یا سبب "امتناع شهود از ادای شهادت" گردد و یا این که "بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود." نتیجه این که در صورت انطباق مورد با هر یک از ملاک‌های بند (د) امکان صدور قرار بازداشت متهم وجود دارد، حتی اگر موضوع



اتهام، هیچیک از موارد اتهامی مذکور در سایر بندهای ماده ۳۲ نباشد. (خالقی، آیین دادرسی کیفری، ۲۲۴ و ۲۲۵)

دوم موارد الزامی صدور قرار بازداشت، در برخی موارد، صدور قرار بازداشت متهم الزامی است و مرجع تحقیق نمی‌تواند قرار تأمین دیگری غیر از آن صادر کند. ماده ۳۵ ق.آ.د.ک این موارد را بر شمرده، و در آن اعلام گردیده است: "در موارد زیر با رعایت قیود ماده ۳۲ این قانون و تبصره‌های آن، هرگاه قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، صدور قرار بازداشت موقت الزامی است و تا صدور حکم بدوی ادامه خواهد یافت، مشروط بر این که مدت آن از حداقل مدت مجازات مقرر قانونی جرم ارتكابی تجاوز ننماید:

الف- قتل عمد، آدم ربایی، اسید پاشی و محاربه و افساد فی الارض ب- در جرائمی که مجازات قانونی آن اعدام یا حبس ابد باشد. ج- جرائم سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء، خیانت در امانت، جعل و استفاده از سند مجعول، در صورتی که متهم حداقل یک فقره سابقه محکومیت قطعی، یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیر قطعی، به علت ارتكاب هر یک از جرائم مذکور داشته باشد. د- در مواردی که آزادی متهم موجب فساد باشد. ه- در کلیه جرائمی که به موجب قوانین خاص مقرر شده باشد."

نکته‌ای که باید در ابتدا در مورد الزامی بودن صدور قرار بازداشت بر طبق این ماده به آن اشاره نمود، شرط مذکور در صدر ماده است که به موجب آن، صدور قرار بازداشت متهم "با رعایت قیود ماده ۳۲ این قانون و تبصره‌های آن" الزامی است. قیود مندرج در متن و تبصره‌های ماده ۳۲ همان ملاک‌های پیش گفته است که قبلاً به آنها اشاره شد. یعنی بیم فرار یا مخفی شدن متهم یا تبانی او با دیگر متهمان یا شهود و مطلعان و یا از بین رفتن آثار و دلایل جرم یا امتناع شهود از ادای شهادت وجود داشته باشد، و یا در جرائم منافی عفت، چنانچه شاکی خصوصی در میان نباشد، آزاد بودن متهم موجب افساد باشد. (همان، ۲۲۸ و ۲۲۹)

به این ترتیب اتخاذ چنین سیاستی در وضع و پذیرش دامنه‌وسعی در صدور قرار بازداشت موقت نه تنها مغایر با اصل برائت و حمایت از حقوق و آزادی‌های متهمین می‌باشد بلکه با تضمین پیش-بینی شده در اصل ۳۲ قانون اساسی که مقرر می‌نماید: «... و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت

پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد ...» تعارض دارد. زیرا هدف از تضمین مزبور این است که از اطاله تحقیقات مقدماتی از جمله بازداشت متهم به هر بهانه جلوگیری به عمل آید و مطابق عبارت میثاق بدون تأخیر غیر موجه درباره او قضاوت شود.

گفتار سوم: سایر نظام های حقوقی

در حقوق فرانسه به موجب قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ قرار بازداشت موقت اجباری به کلی از بین رفته و نه تنها بازپرس در هیچ موردی مجبور به صدور قرار توقیف نیست بلکه به منظور رعایت احترام اصل برائت قانون گذار مقرر داشته که اصل بر آزادی متهم بوده و وی بایستی تا روز محاکمه از آزادی برخوردار باشد. در مواردی که آزادی مطلق متهم مانع اجرای صحیح عدالت باشد و یا لازم تشخیص گردد که درباره وی اقدام تأمینی به عمل آید قانونگذار مقرر داشته که بازپرس موظف است در مرحله اول به صدور یک یا چند قرار از قرارهای "کنترل قضایی مبادرت ورزد در صورتی که این وسیله نیز برای نیل به هدفهای فوق الذکر کافی نباشد آن وقت بازپرس حق خواهد داشت که به صدور قرار بازداشت موقت متوسل گردد منتها در این مورد نیز قانون به منظور حمایت از متهم مقرر داشته که بازپرس موظف است موجها علل عدم تکاپوی قرارهای کنترل قضایی را قید نماید تا متهم بتواند از آن نزد هیات اتهامی شکایت نماید.

۱۳۹

در حقوق بلژیک به موجب قانون ۲۰ آوریل ۱۸۷۴ در صورتی که مجازات جرم اتهامی ۱۵ سال حبس یا اعمال شاقه یا بیشتر باشد بازداشت متهم اجباری است. (آشوری، عدالت کیفری، ۲۴ و ۲۵) در حقوق ایتالیا، قانون این کشور به ویژه به رعایت "تناسب قرار" اعم از بازداشت و غیره با نوع اتهام و ویژگی های متهم تأکید کرده و زندان به عنوان آخرین حربه تلقی گردیده که قاضی باید وقتی به آن توسل جوید که سایر اقدامات از قبیل بازداشت در منزل، ممنوعیت خروج از کشور، اجبار به اقامت در محل معین و یا سایر اقدامات کنترل قضایی از قبیل وثیقه، کفالت و امثال آن برای نیل به مقصود کافی نباشد. همچنین در قانون این کشور موارد بازداشت موقت اجباری حذف گردیده است. (آشوری، عدالت کیفری، ۱۸۲)

نتیجه گیری:

به موجب اصل برائت متهم از لحظه اسناد اتهام تا زمان اثبات آن و صدور حکم محکومیت و به طور کلی در تمام مراحل رسیدگی کیفری بی‌گناه است. اصل برائت و آثار مترتب بر آن به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی که از مراحل حساس و سرنوشت ساز قضایی بوده باید مورد توجه قرار گیرد از جمله آثار اصل برائت در مرحله تحقیقات مقدماتی عبارتند از:

۱- مقام تعقیب به موجب اصل برائت باید اتهام متهم را ماورای شک و تردید معقول اثبات نماید و نباید شرایطی فراهم نماید که متهم که فرض بر بی‌گناهی وی می‌باشد مجبور به اقرار یا شهادت علیه خود شود و خود را مجرم قلمداد نماید در غیر این صورت چنین اقرار یا شهادتی فاقد ارزش اعتبار می‌باشد. (بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، قسمت هفتم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، قسمت هفتم بند ۲ و ۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، قسمت اول بند ۱ ماده ۵۵ و بند ۱ ماده ۶۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)

۲- حق سکوت که مکمل حق مصونیت در مقابل خود اتهامی می‌باشد، به این معناست که متهم در این مرحله می‌تواند ساکت بماند و از پاسخگویی به سؤالات مقام تعقیب امتناع نماید بدون این که سکوت وی دلالت بر مجرمیت یا بی‌گناهی متهم داشته باشد. (قسمت دوم بند ۲ ماده ۵۵ و قسمت هفتم ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)

۳- حق برخورداری از معاضدت وکیل و مترجم: به این معنا که با توجه به نقش مؤثری که حضور وکیل در این مرحله حساس رسیدگی می‌تواند در تغییر مسیر پرونده به نفع متهم داشته باشد و تأکید بر ضرورت "تساوی سلاح‌ها" بین اصحاب دعوی متهم می‌تواند از معاضدت وکیل مدافع در این مرحله برخوردار بوده و در صورت عدم توانایی مالی دراستیفای این حق، این معاضدت به صورت رایگان به وی ارائه شود همچنین در صورتی که رسیدگی در این مرحله به زبان دیگری غیر از زبانی که شخص کاملاً درک و صحبت می‌کند صورت گیرد باید از مساعدت یک مترجم توانا برخوردار بوده و از آنجا که لازمه اصل برائت و بی‌گناهی متهم این است که تا قبل از اثبات اتهامش از تحمیل هر گونه هزینه و خسارت به وی اجتناب گردد این مساعدت باید رایگان باشد. (قسمت سوم بند ۲ ماده ۵۵ و ماده ۶۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)

۴- حق برخورداری از آزادی فردی به این معنا که براساس اصل برائت، متهم تازمانی که اتهامش اثبات نشده بی‌گناه است و لذا بازداشت متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی که این مهم محقق نشده است مغایر با این اصل بوده و به حق دفاع وی لطمه وارد می‌نماید اما پذیرفتن اصل برائت با یک دامنه گسترده و مطلق تامین مصالح و امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد لذا در این تلاقی (آزادی فردی و مصالح اجتماعی) به منظور تضمین هر چه بیشتر تحقق اصل برائت همراه با آثار آن باید سعی در تلفیق این دو با هم شود و در نتیجه بازداشت متهم در موارد ضروری و نه به عنوان یک قاعده کلی با استناد به دلایل موجه پذیرفته شده مشروط بر این که در مدت معقول خاتمه یابد و به سایر حقوق متهم که در پرتو اصل برائت از آن برخوردار می‌باشد لطمه وارد ننماید. (بند ۱ و ۳ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، قسمت چهارم بند ۱ ماده ۵۵ و ماده ۵۸ و بند ۴ ماده ۶۰ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، توصیه شماره ۱۳ رهنمود ریاض سازمان ملل متحد)

فهرست منابع

- ۱- آخوندی، محمود، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، انتشارات وزارت فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰، چاپ ششم
- ۲- -----، -----، **آیین دادرسی کیفری**، جلد چهارم، انتشارات اشراق، قم، ۱۳۸۱، چاپ دوم
- ۳- -----، -----، **آیین دادرسی کیفری**، جلد پنجم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۴، چاپ اول
- ۴- آخوندی، محمود، **بازداشت موقت در سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران و انطباق آن با موازین حقوق بین الملل بشر**، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۷۶
- ۵- آشوری، محمد، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰، چاپ دوم
- ۶- -----، -----، **عدالت کیفری**، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۶، چاپ اول
- ۷- آشوری، محمد، **نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری**، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۸
- ۸- امیدی، جلیل، **حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین المللی و منطقه ای**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۹، پاییز ۱۳۷۹

- ۹- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۰، چاپ چهارم
- ۱۰- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۸۸، چاپ سوم
- ۱۱- خزانی، منوچهر، توقیف احتیاطی یا قرار بازداشت متهم و آثار آن، مجله کانون وکلای مرکز شماره ۱۴۸ و ۱۴۹، پاییز و زمستان ۱۳۶۸
- ۱۲- _____، _____ و دیگران، پانزدهمین کنگره بین المللی حقوق جزا، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۶ و ۱۷، از پاییز ۱۳۷۴ تا زمستان ۱۳۷۵
- ۱۳- سنگلجی، محمد، آیین دادرسی در اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۲۹
- ۱۴- سونگ، چن گوانگ، اصلاح مقررات آیین دادرسی کیفری در چین، ترجمه محمد آشوری مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۲۰، زمستان ۱۳۷۷
- ۱۵- منصور آبادی، عباس، سکوت متهم در دادرسی های جزایی، مجله حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۴، بهار و تابستان ۱۳۸۷
- ۱۶- میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۲، چاپ دهم
- ۱۷- هوشنگ زاده، ناصر، اعلامیه های حقوق بشر، موسسه چاپ و انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، تهران، ۱۳۷۲، چاپ اول

- ۱۸- Black , Henry , Campell , Blacks Law Dictionary , 6th ed , United State , West , 1990
- ۱۹- Dijk , P. Van and G . J . H . Van Hoof , Theory and Practice of The European Convention on Human Rights , 3th ed , London , SIM , 1998
- ۲۰- Feldman , David , Civil Liberties and Human Rights In England and Wales , 2nd ed , United State , Oxford University , 2002
- ۲۱- Gondles . Jr , James . A , Dictionary of Criminal Law Justic Termes , U . S . A , Graphic Comunication , 1998
- ۲۲- Nicolson , John , The Right To Silence – Only Half Right , <http://www.Crimbarvic . org . au . com> , 2004



بررسی تطبیقی آثار اصل برائت در مرحله تحقیقات مقدماتی

در اسناد بین الملل حقوق کیفری ایران و سایر نظام های حقوقی^۱

سمیرا گل خندان* - حسین خسروی* - اکبر رجبی* - داود خلیلی*

چکیده:

در این پژوهش تلاش بر آن است که آثار اصل برائت در مرحله تحقیقات مقدماتی یعنی مرحله ای که بعد از کشف جرم و قبل از مرحله دادرسی جزایی قرار دارد مورد بررسی قرار گیرد. دادرسی های جزایی از حیث موضوع، هدف، خاصیت و صاحب دعوی از دادرسی ها حقوقی متفاوت بوده و همین تفاوت ها موجب اهمیت و حساسیت دادرسی های جزایی شده است. در تحقیقات مقدماتی مجموعه اقدامات قضایی بسیار مهم و سرنوشت ساز بوده و یکی از مراحل حساس دادرسی های جزایی محسوب می شود. در این مرحله متهم که به موجب اصل برائت تازمانی که اتهام وی در دادگاه ثابت نشده بی گناه قلمداد می گردد. در پرتو اصل مزبور و آثار پیوسته بر آن دارای حقوقی می باشد که باید مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر از آنجا که اصل بر این است، متهم تازمان اثبات اتهام بی گناه است به عنوان آثار پیوسته بر این اصل نباید مجبور به اقرار یا شهادت علیه خود شود، از حق سکوت برخوردار بوده و نباید مجبور به پاسخگویی گردد می تواند مساعدت و کیل یا مترجم حسب مورد برخوردار بوده و از معاضدت و در اثبات بی گناهی خود بهره جوید. همچنین به عنوان دیگر اثر اصل برائت از آزادی فردی در طول تحقیقات مقدماتی بهره مند بوده و بازداشت وی به سبب مصالح اجتماعی محدود و منحصربه موارداستثنای با شرایط خاص و ویژه می باشد که این آثار را با توجه به اسناد بین المللی - کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی - همچنین با توجه به نظام حقوقی ایران و سایر نظام های حقوقی مورد بررسی قرار می دهیم.

کلیدواژه: برائت، متهم، اجبار، سکوت، معاضدت، آزادی

۱- تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۴/۲۴

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین

golkhandan@iaukhomein.ac.ir

طرح بحث:

اصل برائت، یک اصل مقدس حقوق کیفری می‌باشد که مضمون آن این است که «مقام تعقیب» وظیفه اثبات تمام عناصر یک اتهام را ماورای شک و تردید معقول برعهده دارد. در تعبیر دیگری اصل برائت، یک اصل قانونی است که شخص را نسبت به جرمی که متهم به ارتکاب آن می‌باشد، بی‌گناه قلمداد می‌کند و مقام تعقیب را ملزم می‌کند که اتهام متهم را ماورای شک و تردید معقول اثبات نماید. به این ترتیب هرگاه در پایان دعوی و براساس تمامی جزئیات آن شبهه معقولی به وسیله ادله ارائه شده توسط دادستان (تعقیب کننده) یا متهم (زندانی) ایجاد شود درمورد این که آیا متهم (زندانی) جرم را مرتکب شده است یا خیر این امر بدان معنی است که دادستان (تعقیب کننده) دعوی را اثبات نکرده است و در نتیجه متهم (زندانی) مستحق برائت خواهد بود. (میر محمد صادقی، جرایم علیه اموال و مالکیت، ۱۰) اصل برائت در اولین مرحله فرایند کیفری بوجود می‌آید و تا زمان اثبات اتهام بر تمام مراحل رسیدگی کیفری حاکم می‌باشد. رسیدگی‌های کیفری از جهاتی چند از رسیدگی‌های حقوقی متفاوت می‌باشند، این تفاوت‌ها که موجب اهمیت و حساسیت رسیدگی‌های کیفری می‌باشند عبارتند: **اول** از حیث موضوع به این معنی که موضوع رسیدگی کیفری تعقیب متهم به منظور صدور حکم بر محکومیت او و در نتیجه اعمال مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی بر محکوم علیه است. حال آن که موضوع رسیدگی حقوقی احراز صحت و سقم ادعای خواهان و در نهایت محکومیت خوانده به اجرای مورد ادعا می‌باشد. **دوم** از حیث هدف به این معنا که هدف رسیدگی کیفری اعاده نظم در جامعه و ایجاد آرامش در شهروندان با عنایت به جنبه بازدارندگی عمومی و بازدارندگی فردی مجازات‌ها است. در حالی که هدف رسیدگی حقوقی در غالب موارد الزام خوانده به جبران خسارت می‌باشد. **سوم** از حیث خاصیت به این معنا که رسیدگی کیفری یا به عبارت دیگر دعوی عمومی متعلق به جامعه است و دادستان یا هر نهاد تعقیب دیگری به نمایندگی از جامعه به تعقیب متهم و به جریان انداختن دعوی عمومی اقدام می‌کند و به این علت دادسرا مجاز نیست که جز در موارد پیش‌بینی شده در قانون از تعقیب متهم امتناع و یا با وی مصالحه کند و یا از اعتراض به حکمی که در آن منافع جامعه رعایت نشده باشد

خودداری ورزد برعکس رسیدگی حقوقی یا دعوی خصوصی متعلق به خواننده بوده و مشارالیه یا وراث و قائم مقام قانونی وی می‌توانند اولاً از همان ابتدا از طرح آن صرف نظر کنند و ثانیاً در صورت اقامه دعوی خصوصی درهریک از مراحل تعقیب، تحقیق و رسیدگی دعوی خود را مسترد نمایند. **چهارم** از حیث اصحاب دعوی باتوجه به اصل شخصی بودن مجازات‌ها رسیدگی کیفری فقط علیه متهم، شرکا و معاونان جرم امکان‌پذیر است و در نتیجه در صورت فوت متهم یا هر یک از شرکا و معاونان جرم رسیدگی کیفری نسبت به فرد فوت شده موقوف و ساقط می‌گردد. حال آن‌که رسیدگی حقوقی را تحت شرایطی می‌توان حتی پس از فوت خواننده علیه وراث اقامه کرد. (آشوری، آیین دادرسی کیفری، ۲، ۱۹۸ و ۱۹۷) از جمله مراحل رسیدگی کیفری مرحله تحقیقات مقدماتی می‌باشد این مرحله پس از ارجاع پرونده مقدماتی تکمیل شده توسط مقامات کشف جرم آغاز خواهد شد و یکی از مراحل حساس و مهم دادرسی‌های کیفری است. نتیجه تحقیقات مقدماتی سرنوشت قضایی متهم را تعیین می‌کند؛ ممکن است او را از تعقیب کیفری معاف سازد یا به پای میز محاکمه بکشاند. (آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ۲، ۸۴) در این مرحله مقامات تحقیق دلایل و آثاری که در مرحله قبل، کشف و اقدامات لازم برای حفظ آنها معمول شده را مورد ارزیابی قرار می‌دهند، سپس جهت تکمیل دلایل مزبور و همچنین جمع‌آوری کلیه قراین، دلایل و اماراتی که له و علیه متهم می‌تواند وجود داشته باشد اقداماتی را انجام خواهند داد؛ از جمله این که متهم را احضار نموده و تحقیقاتی از وی به عمل می‌آورند و در صورت لزوم به منظور جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم تدابیری را اتخاذ خواهند کرد و در نهایت با توجه به اقدامات و ادله مزبور و ارزیابی آنها راجع به ارجاع یا عدم ارجاع پرونده به دادگاه جهت رسیدگی و صدور حکم اتخاذ تصمیم خواهند نمود.

در این مرحله متهم که به موجب اصل براءت تا زمانی که اتهام وی در دادگاه ثابت نشده، بی‌گناه قلمداد می‌گردد، در پرتو اصل مزبور و آثار مترتب بر آن دارای حقوقی می‌باشد که باید مورد توجه قرار گیرد.

که این حقوق را در چهار مبحث تحت عناوین ذیل به تفصیل مورد بررسی قرار می‌دهیم:

- منع اجبار به اقرار یا شهادت علیه خود



- حق سکوت
- حق برخورداری از معاضدت وکیل و مترجم
- آزادی متهم و تحدید موارد بازداشت موقت

مبحث اول: منع اجبار متهم به اقرار یا شهادت علیه خود

این اصل به عنوان یک مبنای اساسی حقوق متهم و یکی از آثار مهم اصل برائت به این معنا است که در جریان یک تعقیب کیفری مقام تعقیب باید اتهام متهم را اثبات نماید و نباید شرایطی را فراهم نماید که متهم مجبور به اقرار شود و خود را مجرم قلمداد نماید. شخص می تواند بدون هیچ گونه ترس و هراسی بگوید که حق دارد از پاسخگویی به سؤالات امتناع نماید و از حق مصونیت در مقابل خود اتهامی برخوردار می باشد.

دادگاه اروپایی حقوق بشر چنین اظهار نظر نموده که رفتار با متهم به عنوان یک جنبه از حق برخورداری از محاکمه عادلانه به موجب بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین به عنوان نتیجه این اصل که به موجب بند ۲ ماده ۶ حق دارد تا زمان اثبات اتهامش بی گناه قلمداد گردد، باید به دور از اجبارش به خود اتهامی باشد.^۱ که این مبحث را در سه گفتار جداگانه بررسی می نماییم:

گفتار اول: اسناد بین المللی

قسمت هفتم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می دارد: «مجبور نشود که علیه خود شهادت و یا به مجرم بودن خود اعتراف نماید.»

قسمت هفتم بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مقرر نموده: «نمی توان متهم را وادار به اقرار به مجرمیت علیه خود نمود.»

در کنوانسیون فوق الذکر علاوه بر تصریح به ممنوعیت اجبار به اقرار و مصونیت در مقابل

1. David Feldman . Civil liberties and human rights in England and Wales . 2 nd ed. United States . Oxford University . 2002 p 384

خود اتهامی در بند ۳ ماده ۸ اشعار داشته: «اعتراف متهم فقط در صورتی ارزشمند و قابل استناد است که به دور از هرگونه تهدید یا اجبار و اضطراب به عمل آمده باشد.»

قسمت اول بند ۱ ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در این زمینه تصریح نموده:

«نباید اجبار به متهم ساختن خویش و یا اعتراف به ارتکاب جرم شود.»

علاوه بر این اساسنامه دیوان با اشاره به این که اقرار متهم نزد دادستان در صورتی برای شعبه بدوی معتبر است که داوطلبانه، آگاهانه و مستند به واقعیات موجود در پرونده باشد، در غیر این صورت اعتراف متهم به مجرمیت کان‌لم‌یکن تلقی می‌گردد، بر رعایت حق مزبور تأکید نموده است. بند ۱ ماده ۶۵ اساسنامه مقرر می‌دارد: «اگر مطابق با شق اول بند ۸ ماده ۶۴ متهم اعتراف

به مجرمیت خود کند برای شعبه بدوی باید محرز شود که آیا:

- متهم ماهیت و نتایج ناشی از اعتراف به مجرمیت خود را درک کرده است.

- اعتراف به مجرمیت از سوی متهم پس از مشورت با وکیلش و به صورت داوطلبانه بوده.

- اعتراف به مجرمیت متکی به واقعیات پرونده است.»

در بند ۳ ماده مذکور نیز ضمانت اجرای عدم رعایت موارد فوق را به این صورت پیش بینی نموده: «در صورتی که شعبه بدوی متقاعد نشود که مراتب مذکور در بند فوق محقق گردیده اعتراف به مجرمیت را کان‌لم‌یکن تلقی می‌کند...»

در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به حق مزبور اشاره‌ای نشده است اما دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده *Heaney and McGuinness V Ireland* چنین رأی داد: «اگرچه در ماده ۶ کنوانسیون صراحتاً ذکر نشده اما حق سکوت و حق مصونیت از خود اتهامی عموماً براساس معیارها و استانداردهای بین‌المللی از جمله برخورداری از یک رسیدگی عادلانه کیفری که در بند اول ماده ۶ تصریح شده به رسمیت شناخته شده است.» در واقع استدلال دادگاه این است که این حقوق - حق سکوت و حق مصونیت از خود اتهامی - به منظور حمایت از متهم در مقابل اجبار نادرست مقام تعقیب و همچنین اجتناب از انحراف عدالت و عدم تحقق اهداف ماده ۶ باید مورد توجه قرار گیرد. از نظر کمیته حقوق بشر سازمان ملل، اجبار متهم به امضای اظهاراتی که مبین مجرمیت اوست، نقض آشکار مفاد قسمت هفتم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی محسوب

می‌گردد. کمیته مزبور بر این باور است که دادگاه رسیدگی کننده به اتهام باید هر نوع ادعای مربوط به نقض حقوق متهم در مراحل مختلف تعقیب و تحقیق از جمله ادعای اجبار به اقرار را نیز مورد توجه و رسیدگی قرار دهد.

به عبارت دیگر حق مصونیت در مقابل خود اتهامی فرض را بر این قرار می‌دهد که مقام تعقیب در جریان یک رسیدگی کیفری به دنبال اثبات اتهام متهم بدون استناد به مدرکی است که با توسل به اجبار و برخلاف اراده متهم تحصیل شده است. بر همین اساس تحقیق از متهم باید دقیقاً با رعایت فرض بی‌گناهی وی باشد.^۱

گفتار دوم: حقوق ایران

در حقوق ایران اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌نماید: «... اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است...» بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر می‌نماید: «هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.»

اجبار به اقرار یا اعتراف به مجرمیت آن است که متهم تحت تأثیر تحریک، تهدید، وعده‌های امیدوار کننده، فشارهای روانی یا شکنجه و آزار، اتهام انتسابی را تصدیق و خود را عامل جرم مورد ادعا معرفی نماید.

اجبار به شهادت علیه خود نیز هنگامی است که متهم تحت تأثیر عوامل مذکور وادار به ارائه دلیل و ادای اظهارات موافق با مقام تعقیب یا شاکی خصوصی شود.

در حقوق اسلام نیز که مبنای حقوق ایران می‌باشد از جمله آدابی که ترکش برای دادرس واجب می‌باشد آن است که متهم را به ایراد ضرر برخورد تلقین نماید و در معنای حقوقی او را به اقرار علیه خود وادار نماید. حرمت تلقین بین فقها معروف بوده و مبنای آن اخبار و روایاتی است که در این زمینه مطرح شده است و مضمون آنها چنین است که زمانی که متهم قصد اقرار به زیان

1. Ibid . p. 384 & 385

خود را دارد، دادرسی باید وی را مانع شده و نگذارد اعتراف نماید .

به عبارت دیگر در حقوق اسلام نیز نه تنها قاضی نباید متهم را به اقرار علیه خود اجبار نماید بلکه حتی باید او را از اقرار و اعتراف علیه خود منع شود. (سنگلجی، آیین دادرسی در اسلام، ۳۸ و ۳۹)

گفتار سوم: سایر نظام های حقوقی

در حقوق ایالات متحده امریکا تحقیق نا متعارف از متهم و ضبط اسناد و مدارک او بدون رعایت مقررات مربوط نقض تضمین مورد بحث به شمار می رود و دلایل به دست آمده از این راه به هیچ وجه نمی توانند مورد استفاده دادگاه واقع شوند. (امیدی، حقوق بشر در دعاوی، ۷۴ و ۷۵)

در حقوق انگلیس به خاطر رویه ای که دادگاه های شاهی و مذهبی برای اعمال زور و فشار نسبت به متهم در پیش گرفته بودند، مورد اعتراض و تنفر قرار گرفتند. همین امر زمینه پذیرش حق سکوت و مصونیت را از خود متهم سازی (منع اجبار به اقرار/ حق عدم اقرار) در نظام حقوقی این کشور فراهم کرد تا آن که در قانون ادله اثبات کیفری (۱۸۹۸)، علاوه بر برخورداری متهم از حق سکوت در مرحله تحقیقات و بازجویی در مرحله محاکمه و دادرسی نیز این حق برای متهم به رسمیت شناخته شد. به عبارت دقیق تر در حقوق این کشور در امور جزایی، اقرار متهم فقط در موارد محدودی می تواند معتبر و قابل قبول باشد، اعتراف متهم به ارتکاب جرم فقط در مواردی قبول می شود که سلسله شرايطی به طور دقیق رعایت شده باشد و این شرایط عبارت است از این که اولاً اعتراف در مراحل مختلف دادرسی توأم با سوگند انجام شده و مورد انکار و ایراد متهم قرار نگرفته باشد. ثانیاً اعتراف با رضایت و آزادانه انجام گرفته باشد، به این معنا که از روی ترس و فشار و تهدید و یا امیدوار ساختن به نفعی توسط مقامات صلاحیت دار صورت نگرفته باشد. (منصور آبادی، سکوت متهم در دادرسی های جزایی، شماره ۲۴، ۲۲۵ و ۲۵۰)

مبحث دوم: حق سکوت

حق سکوت به این معنا که فرد می تواند ساکت بماند بدون این که سکوتش دلیل یا نشانه ای بر ارتکاب جرم باشد، مکمل حق مصونیت در مقابل خود اتهامی می باشد. به عبارت دیگر حق



مزبور با هدف حمایت از افراد در مقابل خود اتهامی هم در مرحله تحقیق و هم در مرحله دادرسی وجود دارد.

«عبارت حق سکوت مجموعه‌ای از حقوقی را که در یک سیستم عدالت کیفری اعمال می‌شوند توصیف می‌کند. این حقوق عبارتند از :

۱- معافیت کلی افراد و گروهها از اجبار به پاسخگویی به سؤالاتی که توسط افراد یا گروههای دیگر مطرح می‌شود.

۲- معافیت کلی افراد و گروهها از اجبار به پاسخگویی به سؤالاتی که پاسخ آن سؤالات ممکن است آنها را در معرض اتهام قرار دهد.

۳- معافیت ویژه کلیه افرادی که توسط پلیس و سایر مقامات رسمی تحت بازجویی قرار می‌گیرند از پاسخگویی به هرگونه سؤالی.

۴- معافیت ویژه کلیه متهمینی که تحت محاکمه قرار گرفته اند از اجبار به ارائه مدارک و همچنین از اجبار به پاسخگویی به سؤالاتی که در جایگاه متهم در دادگاه از آنها به عمل می‌آید. « این مبحث را در سه گفتار جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

گفتار اول: اسناد بین‌المللی

قسمت دوم بند ۲ ماده ۵۵ اساسنامه مزبور در بیان حقوقی که اشخاص تحت بازجویی از آن برخوردارند و باید مطلع شوند مقرر می‌دارد: «می‌تواند سکوت اختیار کند بدون این که آن سکوت دلالت بر مجرمیت یا بی‌گناهی وی داشته باشد.» همچنین قسمت هفتم ماده ۶۷ اساسنامه مقرر می‌دارد: «... می‌تواند سکوت اختیار کند بدون این که سکوت وی به منزله اعتراف و یا انکار تلقی شود.»

همچنین همانگونه که در مبحث قبل اشاره گردید در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به حق مزبور اشاره‌ای نشده است، اما دادگاه اروپایی حقوق بشر حق سکوت را بر اساس معیارها و استانداردهای بین‌المللی از جمله برخورداری از یک رسیدگی عادلانه کیفری که در بند اول ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تصریح شده، به رسمیت شناخته است.



گفتار دوم: حقوق ایران

در حقوق ایران ماده ۱۲۹ ق.آ.د.ک.د.ع و ۱ در امور کیفری چنین مقرر می‌دارد: ... چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید، امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود. بر همین اساس در حقوق ایران حق سکوت متهم به‌طور ضمنی به رسمیت شناخته شده است بدون این که اشاره یا تصریحی بر این معنا وجود داشته باشد که سکوت وی و یا امتناع از ادای توضیحات ممکن است به زیان وی تلقی شود. همانگونه که اشاره شد حق سکوت مکمل حق مصونیت در مقابل خود اتهامی می‌باشد. لذا عبارات بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که در مبحث قبل به متن آن اشاره گردید به‌طور تلویحی حاکی از آن است که اگر متهم در جریان بازجویی و تحقیقات از پاسخ دادن امتناع کرد، مقام‌های قضایی و مأمورین حق ندارند به اجبار او را وادار به اقرار و اظهار مطالبی کنند. متأسفانه به علت فقدان صراحت قانونی در این باب، تا اندازه زیادی راه سوء استفاده به‌ویژه در مقابل مأمورین و ضابطین دادگستری باز است. آنچه حائز اهمیت است و در سایر نظام‌های حقوقی نیز بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، سکوت متهم در مراحل اولیه و نزد مأمورین و ضابطین دادگستری است، زیرا احتمال سوءاستفاده و نادیده گرفتن حقوق وی در این مرحله بیشتر است. برای جلوگیری از چنین سوء استفاده‌هایی، حق سکوت به عنوان حقی ویژه در بسیاری از نظام‌های حقوقی مورد شناسایی قرار گرفته است، که ضرورت دارد در نظام حقوقی ما نیز این حق در این مرحله حساس رسیدگی به‌طور خاص مورد توجه قرار گیرد. (همان، ۲۲۵ و ۲۵۰)

گفتار سوم: سایر نظام‌های حقوقی

حق سکوت متهم تقریباً در تمام نظام‌های حقوقی تضمین و پیش‌بینی شده است. در حقوق انگلیس بر اساس قانون شهادت کیفری (PACE) متهمین حق سکوت داشتند بدون این که از سکوت متهم تفسیر به زیان او به عمل آید. اما در سال ۱۹۸۸ دولت مخالفت خود را نسبت به حق سکوت آغاز کرد و مبنای مخالفت دولت این بود که افراد بی‌گناه هیچ ترسی از بیان حقیقت ندارند، بنابراین باید اجازه داده شود که از امتناع متهم از پاسخگویی به سؤالات استنباطی



به زیان او به عمل آید. دولت قصد خود را از وضع قانونی با این مفهوم اعلام نمود و گروهی را جهت بررسی موضوع منصوب کرد. گزارش این گروه که در سال ۱۹۸۹ ارائه شد مضمون همان هدفی را که دولت قبلاً بیان کرده بود داشت.

گزارش اذعان نمود که اعمال حق سکوت متهم بدون این که استنباطی به زیان او به عمل آید، تعادل را به نفع متهم به هم می‌زند. بر اساس مدارک ارائه شده توسط پلیس، حق سکوت به طور گسترده‌ای به‌ویژه توسط مجرمین حرفه‌ای با تجربه اعمال می‌شود. یعنی افرادی که حق خود را به برخورداری از مشاوره حقوقی اعمال نموده و به احتمال زیاد به آنها توصیه می‌شود که ساکت بمانند و این امر موانع جدی را برای پلیس جهت تحصیل مدرک و حمایت از قربانیان بوجود می‌آورد.

گزارش مزبور اعتراض و انتقادات بسیاری را به دنبال داشت. منتقدین چنین استدلال می‌کردند که:

اولاً تعداد بسیار کمی از افراد از پاسخگویی به سؤالات امتناع می‌کنند.

ثانیاً این یک سیاست عمومی نیست که مشاوران و وکلا به موکلین خود توصیه نمایند که از پاسخگویی امتناع کنند.

ثالثاً هیچ مدرکی وجود ندارد که سکوت مانع از آن شود که مقام تعقیب نتواند از قربانیان حمایت نماید.

علاوه بر موارد فوق منتقدین به‌ویژه بر این نکته تأکید می‌کردند که افراد در اداره پلیس تحت فشار هستند. آنها احتمالاً از جزئیات پرونده‌ای که علیه آنها مطرح شده اطلاع ندارند، زمان مناسبی هم برای فکر کردن دقیق راجع به آنچه اتفاق افتاده ندارند و احتمالاً گمراه و سرگشته می‌شوند. با توجه به چنین اوضاع و احوالی منطقی است که متهم چیزی نگوید. زیرا این خطر وجود دارد که آنچه را که متهم می‌گوید ممکن است به زیان او تمام شده و در نتیجه بی‌گناهی وی بر اساس یک پیش‌داوری نادرست و غیرموجه در معرض مخاطره قرار گیرد.

برای ارزیابی آنچه بیان شد باید دید علت امتناع متهم از پاسخگویی به سؤالات چیست. آیا متهم از جزئیات پرونده‌ای که علیه او مطرح شده و او را ملزم به پاسخگویی می‌کند مطلع می‌باشد؟



آیا عوامل و فاکتورهایی که فهم آنچه را که علیه وی مطرح شده مشکل می‌سازد از قبیل عدم توان مالی جهت بهره‌گیری از مساعدت وکیل یا عدم بلوغ فکری مناسب وجود دارد؟ آیا پلیس وی را به‌طور غیرعادلانه و غیرقانونی تحت فشار روانی قرار داده است؟

تمام این عوامل می‌توانند معنایی که از سکوت استنباط می‌شود، تحت تأثیر قرار دهند. همچنین تفسیر منفی از سکوت متهم، نقض غرض آشکار است، چه با تفسیر منفی به‌طور غیر-مستقیم به متهم اعلام داشته‌ایم که از این حرف چشم‌پوشی کن والا به زیانت تمام می‌شود در این صورت بهره‌مندی از این حق بیهوده جلوه می‌کند. (همان، ۲۰) لذا نباید استنباط از سکوت به زیان متهم باشد. در مجموع در حقوق این کشور برخورداری متهم از حق سکوت در مرحله قبل از محاکمه و در جریان بازجویی‌ها و اقداماتی که توسط پلیس صورت می‌پذیرد به صراحت پیش‌بینی شده است. بر این اساس پلیس انگلیس مکلف است در هنگام بازجوئی، سؤال و جواب، تنظیم صورت‌مجلس و نوشتن اظهارات متهم، مقدماتی را انجام دهد و مطالبی را به متهم تفهیم کند و به او هشدار دهد که «مجبور به پاسخگویی نیست ولی اگر حرفی بزند یا مطلبی بگوید، ممکن است به عنوان دلیل در دادگاه علیه او از آن استفاده شود». اگر پلیس چنین هشدار را به متهم ندهد و او را از حقی که دارد و سرنوشتی که در انتظار اوست باخبر نسازد، کلیه اظهارات مندرج در صورت جلسه بازجویی و امضاهای متهم که در ذیل آن قید شده باطل و بلااثر است، در نتیجه پرونده متشکله فاقد دلیل تلقی می‌شود و دادگاه به سبب فقد دلیل، حکم برائت متهم را صادر می‌کند. در حقوق آمریکا با دید مثبت و خوش‌بینانه‌تری به حق سکوت نگریده شده است و به صورت جدی‌تری مورد توجه دادگاه‌ها و رویه قضایی این کشور قرار گرفته است. بر همین اساس در حقوق آمریکا، ذیل عنوان «حمایت از حق سکوت»، آرای متعددی از دیوان عالی آن کشور به چشم می‌خورد که همگی حکایت از احترام به حق مزبور دارد. معروف‌ترین پرونده‌ای که در نیم قرن اخیر، مسأله حق سکوت در آن مطرح شده است و به عنوان قاعده در حقوق آمریکا قابل شناسایی است، پرونده میراندا علیه آریزونا در سال ۱۹۶۶ است. قاعده میراندا ناظر به رأیی است که دیوان عالی آمریکا در پرونده مزبور صادر کرد. میراندا راننده‌ای ۲۳ ساله بود که در سال ۱۹۶۳ در ایالت آریزونا متهم به جرم آدم‌ربایی و تجاوز به عنف شد و در نتیجه تجدید نظر خواهی وکیل میراندا،



دیوان عالی آمریکا رای را نقض و ضوابط خاصی را مقرر کرد. استدلال دیوان این بود که میراندا از حقوق خود مبنی بر کمک گرفتن از وکیل یا سکوت کردن آگاه نبوده است و در ادامه رأی مزبور، هفت مورد را مطرح می‌کند که از آن پس پلیس آمریکا باید قبل از بازداشت و بازجویی متهم به آگاهی او برساند. این هفت مورد بعدها به قاعده میراندا شهرت یافت و به‌طور خلاصه شامل این موارد است: «شما حق سکوت دارید، آنچه می‌گویید ممکن است در دادگاه علیه شما استفاده شود، شما حق دارید با یک وکیل مشورت کنید، در صورتی که بضاعت مالی برای انتخاب وکیل ندارید، دولت برای شما وکیل استخدام می‌کند». متهم پس از شنیدن حقوق خود می‌تواند وکیلی اختیار کند یا کتباً از حقوق خود چشم‌پوشی کند. به دنبال آن در سال ۱۹۶۸ دولت آمریکا قانونی را به تصویب رساند که آشکارا قاعده میراندا را نسخ می‌کرد. در عین حال وزارت دادگستری آمریکا به علت مغایرت این قانون با قانون اساسی، آن را اجرا نکرد تا این که در سال ۲۰۰۰ دیوان عالی این کشور رسماً قانون مزبور را مغایر با قانون اساسی اعلام کرد. (همان، ۱۶ و ۱۷) در قضیه میراندا، دیوان عالی آمریکا این موضوع را مورد تحلیل قرار داد که سکوت متهم را به گونه‌های مختلفی می‌توان تأویل و تفسیر کرد. دیوان چنین نتیجه گرفت که تفسیر منفی بالاترید با بهره‌مندی متهم از حق مزبور مغایرت دارد. گذشته از این حق سکوت در پرتو قاعده مصونیت از خود متهم سازی برای متهم در نظر گرفته شده است. این قاعده به وضوح حکایت از این دارد که متهم به منظور رفع اتهام از خود، می‌تواند هر اقدام و رفتاری را که صلاح می‌داند انجام دهد؛ از جمله برای تأمین چنین منظوری می‌تواند سکوت اختیار کند و خود را از موضع اتهام و تهمت دور نگهدارد. حال اگر از سکوت او تفسیر منفی به عمل آید، این قاعده بی‌فایده و عبث خواهد بود. (همان، ۲۲۵ و ۲۵۰)

در حقوق فرانسه نیز به گونه‌ای خاص این حق مورد توجه قرار گرفته است. به موجب ماده ۱۱۶ قانون آئین دادرسی کیفری این کشور، قاضی تحقیق مکلف است در اولین بازجویی از متهم، او را از افعال منتسبه آگاه کند و به او اعلام کند که از آزادی کامل برخوردار است، می‌تواند سکوت کند یا به سؤال‌ها پاسخ بگوید. این مطلب باید در صورت‌مجلس قید شود. (همان، ۲۲۵ و ۲۵۰)



مبحث سوم: حق برخورداری از معاضدت و کیل و مترجم

امروزه با توجه به این که بر ضرورت «تساوی سلاح‌ها» بین اصحاب دعوی تأکید می‌شود و به‌ویژه این که هدف از دادرسی کیفری دستیابی به واقعیت امر و نه انجام تشریفات صوری رسیدگی است، به تدریج از سری بودن تحقیقات مقدماتی نسبت به متهم و وکیل مدافع او کاسته شده است و به وکیل مدافع اجازه حضور در انجام تحقیقات مقدماتی داده می‌شود. (آشوری، آیین دادرسی کیفری، ۲۳) به عبارت دیگر صدور حکم عادلانه را نمی‌توان ناشی از رسیدگی دقیق به پرونده‌ای دانست که به طریق تفتیشی و بدون مداخله وکیل مدافع و دفاع مؤثر و مفید متهم از خود، تهیه و تمهید شده باشد؛ به این معنا که بی‌طرفی قاضی یا قضات دادگاه در رسیدگی به پرونده‌ای که اصول صحیح دادرسی در آن در مرحله تحقیقات مقدماتی نادیده انگاشته شده باشد، برای صدور حکمی مبتنی بر موازین عدالت کافی نیست. به همین جهت حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی و اطلاع او از محتویات پرونده، بی‌تردید باید از جمله اصول منصفانه دادرسی و موافق با اصل برائت که متهم باید تا زمان اثبات اتهام بی‌گناه فرض شود و از تضمین‌های دفاع در تمام مراحل رسیدگی برخوردار باشد، محسوب شود. (آشوری، نگاهی به حقوق متهم، ۵۴)

خصوصاً اگر این نکته مورد توجه واقع شود که در پرونده‌های کیفری تحقیقات مقدماتی بسیار سرنوشت ساز بوده و حضور وکیل در این مرحله تا چه حد می‌تواند در تغییر مسیر پرونده به نفع متهم مؤثر باشد. که این مبحث را در سه گفتار جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

گفتار اول: اسناد بین‌المللی

قسمت سوم بند ۲ ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در بیان حقوقی که افراد در مرحله تحقیقات مقدماتی از آن برخوردارند و باید مطلع شوند مقرر می‌دارد: «... می‌تواند از مساعدت‌های حقوقی که به او اختصاص می‌یابد استفاده نماید. بدیهی است در صورتی که اجرای عدالت ایجاب نماید که مساعدت‌های حقوقی به وی داده شود اما او قادر به تأمین هزینه‌های آن نباشد، آن مساعدت‌ها به صورت رایگان به او ارائه خواهد شد.» به‌ویژه قسمت آخر بند ۲ ماده



مزبور اشعار داشته که بازجویی از وی در حضور وکیل صورت می‌گیرد، مگر آن‌که خود وی از این حق صرف نظر نماید. و ماده ۶۵ اساسنامه نیز اعتراف متهم به مجرمیت خود نزد دادستان را در صورتی برای شعبه بدوی قابل پذیرش می‌داند که اعتراف متهم پس از مشورت با وکیلش و داوطلبانه صورت گرفته باشد.

گفتار دوم: حقوق ایران

در حقوق ایران در آغاز به علت تفتیشی بودن تحقیقات مقدماتی، وکیل مدافع در این مرحله از جریان تحقیقات به دور نگه داشته شده بود. در اصلاحات سال ۱۳۳۵ تبصره الحاقی به ماده ۱۱۲ ق.ا.د.ک امکان حضور وکیل متهم را در تحقیقات بدون این‌که مشارالیه حق داشته باشد در جریان تحقیق مداخله کند، پذیرفت.

متأسفانه ق.ا.د.د.ع و ۱ در امور کیفری تحدیدات بیشتری را نسبت به حق دفاع متهم و برخورداری از معاضدت وکیل در این مرحله قائل شده است. (همان، ۲، ۲۶). به موجب ماده ۱۲۸ ق.ا.د.د.ع و ۱ در امور کیفری و تبصره آن در سه مورد اگر قاضی رسیدگی کننده موافقت نکند متهم از داشتن وکیل مدافع محروم خواهد بود:

۱- در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد.

۲- در صورتی که حضور غیر متهم موجب فساد گردد.

۳- در جرایم علیه امنیت کشور.

تشخیص فساد و محرمانه بودن و این‌که جرم امنیتی می‌باشد یا خیر؛ لاجرم با قاضی رسیدگی کننده است. به این ترتیب قاضی تحقیق به سهولت می‌تواند متهم را به‌ویژه به بهانه وجود فساد، از داشتن وکیل مدافع محروم کند. این محرومیت مخصوصاً در جرایم مهم که اقتضای مجازات‌های سنگین از قبیل اعدام، صلب، رجم، قطع، حبس دائم و نظایر آن را دارند و تحقیقات مقدماتی پایه و اساس پرونده را تشکیل می‌دهد، با هیچ منطقی سازگار نیست. (آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ۴، ۲۴۰)

به عبارت دیگر قاضی به بهانه‌های مختلف می‌تواند تا مدت زمان طولانی رسیدگی به

پرونده از مداخله وکیل مدافع ممانعت به عمل آورد. لذا در جهت تضمین هر چه بیشتر حقوق متهم در این مرحله و تحقق هر چه بهتر اصل برائت باید ترتیبی اتخاذ شود که متهم بدون هیچ محدودیتی در این مرحله حساس رسیدگی به پرونده، وکیل مدافع خود را همراه داشته باشد و اگر امکانات مالی برای برخورداری از معاضدت وکیل نداشته و تحقق عدالت اقتضای برخورداری از مساعدت حقوقی را نماید، باید مساعدت حقوقی رایگان در اختیار وی گذارده شود.

گفتار سوم: سایر نظام های حقوقی

در غالب نظام های حقوقی حضور و مداخله وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی پذیرفته شده است. از جمله می توان به ماده ۱۱۴ ق. آ. د. ک فرانسه اشاره کرد: «متهم یا شاکی خصوصی را جز در مواردی که به صراحت از آن صرف نظر نمایند، فقط در حضور وکلای آنان یا پس از دعوت از وکلا طبق ضوابط قانونی می توان مورد تحقیق یا مواجهه قرار داد.» (آشوری، آیین دادرسی کیفری، ۲، ۲۴)

در چین به دنبال اصلاحاتی که در ق. آ. د. ک این کشور به عمل آمد و در سال ۱۹۹۷ به مرحله اجرا گذاشته شد، زمان مداخله وکیل یا شخص دفاع کننده از متهم در دعاوی کیفری به جلو انداخته شد. به این معنا که آیین دادرسی کیفری قبلی فقط از مرحله شروع جلسات رسیدگی دادگاه به متهم اجازه می داد که وکیل خود را همراه داشته باشد و از معاضدت او برخوردار شود، در حالی که ق. آ. د. ک جدید مداخله وکیل مدافع را از همان مرحله تحقیقات مقدماتی و به منظور کمک به شخص مظنون تجویز نموده است. چنین است که ماده ۹۶ قانون مذکور مقرر می دارد: «مظنون می تواند از مشاوره حقوقی یک وکیل مدافع به انتخاب خود بهره مند گردد و از همان نخستین بازجویی که از سوی نهاد عهده دار تحقیقات مقدماتی به عمل می آید یا از روزی که یک تصمیم الزام آور نسبت به مظنون اتخاذ می گردد، دلایل و تقاضای مظنون توسط وکیل مدافع به نمایندگی از سوی او ارائه می شود.» (چن گوانگ سونگ، حقوق و علوم سیاسی، ۴۲، ۱۶)

در حقوق بلژیک وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی وقتی پذیرفته می شود که متهم در بازداشت موقت باشد. در این سیستم دسترسی کامل و بدون محدودیت به اوراق پرونده کیفری در



دادسرا وقتی امکان دارد که مرحله تحقیقات مقدماتی پایان یافته باشد. (خزانی، پیشین)
 قانون سوریه برای وکیل مدافع حق سخن گفتن در اثنای تحقیقات را با اجازه بازپرس قائل
 شده است. لذا باز پرس می‌تواند در صورت لزوم مانع مداخله وکیل شود.
 در این صورت وی ملاحظات خود را طی لایحه‌ای به بازپرس تقدیم می‌کند تا ضمیمه
 صورتجلسه استنطاق گردد.

اما در ارتباط با حق برخورداری از مساعدت مترجم در این مرحله قسمت سوم بند ۱ ماده ۵۵
 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد:

«باید از مساعدت رایگان یک مترجم توانا (که امر ترجمه را آنچنان که شایسته یک ترجمه
 مناسب است انجام می‌دهد) بهره برد. مساعدت مترجم در صورتی است که بازجویی‌ها از اشخاص
 به زبان دیگری غیر از زبانی که شخص کاملاً درک و صحبت می‌کند صورت گیرد.»

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اشاره‌ای به
 حق مزبور در مرحله تحقیقات مقدماتی و بازجویی ننموده‌اند، اما در یکی از آرایسی که از سوی
 دادگاه اروپایی حقوق بشر صادر شده اظهار نظر شده است که حق برخورداری از مساعدت مترجم
 محدود به مرحله دادرسی و رسیدگی دادگاه نمی‌باشد بلکه در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز اعمال
 می‌گردد.^۲

به نظر می‌رسد استدلال دادگاه در صدور رأی مذکور این است که:

اولاً اقتضای دادرسی یا محاکمه عادلانه که در اسناد بین‌المللی تصریح شده است، تحقق
 عدالت در تمام مراحل رسیدگی می‌باشد.

ثانیاً اصل تساوی سلاح‌ها به عنوان یکی از ارکان دادرسی عادلانه در هر مرحله از رسیدگی
 حضور دارد و لازمه تحقق اصل مزبور این است که متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز در
 صورتی که انجام تحقیقات به زبانی است که برای وی غیر قابل فهم می‌باشد از مساعدت یک
 مترجم برخوردار باشد.

ثالثاً در اسناد بین‌المللی حقوق بشر بی‌گناهی متهم همراه با برخورداری از تمام تضمین‌های

2. P. Van Dijk and G.J.H. Van Hoof. Op . Cit . p 478

دفاعی، مورد تأکید واقع شده است. لذا برای این که شخص قادر باشد دفاعی مناسب تدارک ببیند لازم است در صورتی که انجام تحقیقات به زبان دیگری غیر از زبانی است که او می‌فهمد از مساعدت یک مترجم در این مرحله برخوردار باشد.

در نهایت از آنجا که فرض بر براءت و بی‌گناهی متهم است، باید از تحمیل هر گونه هزینه و خسارت به متهم تا قبل از اثبات اتهامش، اجتناب گردد. لذا در جهت تحقق این معنا همانگونه که در اساسنامه تصریح شده است، این مساعدت باید رایگان باشد.

مبحث چهارم: آزادی متهم و تحدید موارد بازداشت موقت

بازداشت موقت متهم عبارت است از سلب آزادی از متهم و زندانی کردن او در طول تمام یا قسمتی از تحقیقات مقدماتی توسط مقام صالح قضایی. این سلب آزادی از متهم ممکن است در طول جلسات رسیدگی دادگاه و تا صدور حکم قطعی نیز ادامه یابد. (آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ۲، ۱۳۴) بازداشت موقت که با صدور قرار از سوی مقام رسیدگی کننده محقق می‌شود شدیدترین نوع قرارهای تأمین کیفری است درست است که در سایر انواع قرارها مثل کفالت یا وثیقه، نیز اگر متهم قادر به معرفی کفیل و یا سپردن وثیقه نباشد به بازداشت او منجر می‌شود و از این لحاظ با قرار بازداشت موقت نتیجه یکسانی دارند مع الوصف در قرار نوع اخیر متهم با وجود امکان معرفی کفیل یا سپردن وثیقه باز هم زندانی می‌شود.

۱۳۱

بازداشت موقت بدون تردید مطمئن‌ترین وسیله‌ای است که در اختیار قضات کیفری قرار داده شده است برای جلوگیری از این که متهم در طول تحقیقات مقدماتی و حتی ادامه آن در تحقیقات نهایی و بالاخره در مرحله قطعیت حکم و اجرای مجازات نتواند با فرار یا مخفی کردن خود موجبات اختلال در رسیدگی به جرم و تاخیر و عدم موفقیت در اجرای حکم کیفری را فراهم سازد. کشف و تعقیب جرم و جمع آوری دلایل و حسب لزوم مواجهه متهم با گواهان و شرکا و معاونان جرم، با این اقدام بهتر و آسانتر انجام می‌پذیرد.

بازداشت موقت اقدامی است مؤثر در جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم خصوصاً توسط بزهکاران حرفه‌ای و وسیله‌ای است ضروری برای پیشگیری از این که متهم با آزادی و فراغت، آثار و دلایل

جرم مثل اسناد و اوراق، آلات و ادوات مربوط به بزه ارتكابی را ضمن تبانی با شهود قضیه یا شرکا و معاونان جرم محو و نابود سازد و سرانجام در مواردی که جرم ارتكابی از نوع جنایات هولناک و نفرت انگیز است و حفظ جان متهم در قبال انتقام خصوصی خانواده مجنی علیه و همچنین هیجان و خشم عمومی برای محاکمه و اجرای عدالت اهمیت دارد، قرار بازداشت موقت برای سهولت در انجام امر تحقیق، ضروری خواهد بود. (خزایی، کانون وکلای مرکز، ۱۴۸، ۱۰۸) به لحاظ همین ضرورت است که برخی از علمای حقوق جزا مانند گاروفالو را عقیده بر آن است که توقیف متهمین در حین بازرسی به علت آن که بهتر به کشف حقیقت کمک می‌کند کاملاً ضروری است. (آشوری، آیین دادرسی کیفری، ۵)

مع الوصف بازداشت مزبور با اصل برائت که مورد تأکید اعلامیه‌های حقوق بشر می‌باشد و به موجب آن هر یک از افراد جامعه بایستی قبل از محکومیت از آزادی مطلق برخوردار باشند، مغایرت دارد.

اهمیت اصل برائت که در قوانین اساسی بسیاری از کشورها گنجانیده شده، آدولف پرنس حقوقدان و بانی مکتب دفاع اجتماعی بلژیکی را بر آن داشته که بگوید: «توقیف احتیاطی متهم ما را به نتیجه‌ای نامطلوب هدایت می‌کند. چه، از یک سو می‌پذیریم که هنوز بامتهم سر و کار داریم نه با مجرم؛ و در نتیجه حق مجازات او را در مرحله بازرسی نداریم. از سوی دیگر به بهانه دفاع از جامعه و اجرای صحیح تر عدالت، قرار بازداشت او را صادر نموده و قبل از ثبوت مجرمیت سخت‌ترین مجازات‌ها را که فلاکت و بی‌آبرویی متهم را به دنبال دارد درباره او اعمال می‌کنیم.» بازداشت متهم علاوه بر آن که مغایر با اصل برائت بوده و به آزادی وی لطمه می‌زند ممکن است به حق دفاع او نیز زیان وارد آورده و به خصوص در سرنوشت محاکمه مؤثر باشد؛ زیرا متهمی که در بازداشت به سر می‌برد قادر به جمع‌آوری دلایل لازم به منظور اثبات بی‌گناهی خود و ارائه آنها به محضر دادگاه نمی‌باشد. ایراد اساسی دیگری که بر بازداشت موقت متهم وارد است این است که نهاد حقوقی مذکور علاوه بر آن که با اصل برائت مغایرت داشته و احیاناً به حق دفاع وی نیز لطمه می‌زند، باتوجه به سیاست‌نویین جزایی با برخی از نهادهای دیگر حقوق جزا همچون تعلیق و به خصوص تعلیق مراقبتی که خود از حربه‌های مؤثر مبارزه با مجرمیت‌اند ناسازگار است زیرا



سیاست کیفری نوین با توجه به خاصیت جرم زدایی زندان تمایل به گسترش موارد تعلیق مجازات و در نتیجه جلوگیری از زندانی شدن متهم را دارد. (همان، ۵)

علاوه بر این در گزارش‌های مطرح شده در پانزدهمین کنگره بین‌المللی حقوق جزا آمده است که اصل براءت در تمام مراحل دعوی کیفری معتبر است و وقتی پایان می‌پذیرد که دعوی به اعتبار امر مختومه بیانجامد. تأمین‌های کیفری که آزادی متهم را محدود و او را ملزم و مجبور می‌نماید، مثل قرار بازداشت موقت در مرحله تحقیقات مقدماتی که هنوز اتهام به اثبات نرسیده، جنبه شبه مجازات دارد و مغایر با اصل براءت است که به موجب آن مجازات قبل از انجام یک دادرسی منصفانه ممنوع است. (خزانی، کانون وکلای مرکز، ۴۶۸)

علیرغم آنچه گفته شد باید توجه داشت که انتقادات مذکور هر قدر هم وارد باشد نمی‌توان همه آنها را پذیرفت و مانند‌ای معتقد شد که بازداشت موقت به کلی بایستی از قانون حذف گردد. زیرا همانگونه که اشاره شد پذیرفتن چنین دامنه گسترده و مطلق برای اصل براءت در پاره‌ای از موارد ما را با مشکلات غیر قابل جبران اجتماعی مواجه می‌کند و تأمین مصالح و امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد. (آشوری، نگاهی به حقوق متهم، ۵۷) اما از آنجایی که بازداشت متهم نقطه تلاقی آزادی فردی و نظم اجتماعی است باید با هدف تضمین هر چه بیشتر تحقق اصل براءت همراه با آثار آن، سعی در تلفیق این دو با یکدیگر شود که این مبحث در سه گفتار جداگانه بررسی می‌نماییم:

گفتار اول: اسناد بین‌المللی

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی پس از آن که در قسمت چهارم بند ۱ ماده ۵۵ مقرر می‌نماید:

«... نباید خود سرانه و بلاجهت دستگیر و بازداشت شوند و نباید آزادی آنها سلب گردد

مگر مطابق جهات و ترتیباتی که در این اساسنامه مقرر شده است.»

در ماده ۵۸ ضرورت بازداشت افراد را چنین بیان می‌دارد:

«... بازداشت شخص به جهات زیر ضروری به نظر برسد:



- ۱- حصول اطمینان از حضور وی در محاکمه
 - ۲- حصول اطمینان از این که شخص مزبور مانعی در راه تحقیقات و یا رسیدگی دادگاه ایجاد می‌کند و یا انجام آنها را به خطر می‌اندازد.
 - ۳- هرگاه مورد اقتضا نماید، بازداشتن شخص از ادامه ارتکاب آن جرم و یا جرم مرتبط با آن که در محدوده صلاحیت دیوان است و از همان اوضاع و احوال ناشی شده است.»
- سپس در بند ۴ ماده ۶۰ با مد نظر قرار دادن قاعده کلی اصل آزادی انسان‌ها قبل از اثبات اتهام و به منظور جلوگیری از تضییع حقوق متهم به علت طولانی شدن مدت بازداشت موقت مقرر می‌نماید: «شعبه مقدماتی باید اطمینان حاصل نماید که شخص بازداشت شده به جهت تأخیر ناموجه دادستان، مدت غیر معقولی را قبل از محاکمه در بازداشت نباشد. اگر چنین تأخیری رخ دهد، دیوان موظف است آزادی مطلق یا مشروط وی را مورد بررسی قرار دهد.»
- بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پس از بیان این که از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی نمود مگر به جهت و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون در بند ۳ همین ماده چنین مقرر می‌دارد: «هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می‌شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود. بازداشت اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قانون کلی باشد.»
- در مجموع از ارزیابی مطالب بیان شده راجع به قرار بازداشت موقت متهم همچنین بررسی مواد مذکور فوق به منظور صیانت از حقوق و آزادی‌های فردی متهم قبل از محاکمه، بر حسب ضرورت‌های ناشی از اصل برائت باید نتایج زیر را مورد توجه قرار داد:
- ۱- در مرحله تحقیقات مقدماتی یعنی قبل از مرحله دادرسی و صدور حکم، در تصمیماتی که اجبار و الزام متهم را به دنبال دارد، باید اصل تناسب که «یک رابطه منطقی است بین اهمیت امری که متهم به آن مجبور می‌شود و با حقوق و آزادی‌های او معارض است از یک طرف و هدف نهایی تحمیل چنین امری از طرف دیگر» رعایت شود.
 - ۲- به دلیل اهمیت اصل برائت قاضی باید مستدلاً با توجه به عوامل ویژه درباره بازداشت



موقت تصمیم بگیرد و نگه داشتن متهم در بازداشت موقت بدون وجود قراین کافی مطلقاً ممنوع است. (خزانی، کانون وکلای مرکز، ۴۷۴) قراینی که موجب بازداشت متهم می‌باشد باید به موجب قانون تعیین گردد.

۳- بازداشت موقت خلاف اصل آزادی انسان‌ها است و برابر موازین شناخته شده قضایی و عدالت کیفری باید به صورت استثنایی و در مواقع خاص به موقع اجرا گذاشته شود و به گفته تهیه کنندگان میثاق، بازداشت اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قانون کلی باشد. (آخوندی، بازداشت موقت، ۲۱، ۲۴)

در همین زمینه سازمان ملل متحد نیز در رهنمودهای خود برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان که به رهنمودهای ریاض معروف است، در توصیه شماره ۱۳ متذکر شد که بازداشت قبل از محاکمه باید به عنوان «آخرین چاره» و «برای کوتاهترین دوره زمانی ممکن» مورد استفاده قرار گیرد. (آشوری، آیین دادرسی کیفری، ۲، ۱۳۵) لذا باید از طریق مسلح کردن قضات تحقیق به ابزارهای نوین و جایگزین‌های مجازات زندان از گسیل داشتن متهمین به زندان جلوگیری به عمل آید. به عبارت دیگر، تفرید تصمیمات قضایی نیازمند این است که قانونگذاران سلاح‌های مختلف را در اختیار بازرسان و قضات تحقیق قرار دهند تا آنان در هر مورد و در هر پرونده قادر به انطباق تصمیمات با اوضاع و احوال و شخصیت متهم باشند. (آشوری، نگاهی به حقوق متهم، ۵۹)

۱۳۵

۴- همانگونه که در اسناد مورد اشاره تصریح شده است بازداشت متهم باید در مهلت معقولی خاتمه یابد به این معنا که یا فوراً برای دادرسی حاضر شده و به تصریح قسمت سوم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بدون تأخیر غیر موجه درباره او قضاوت شود یا این که آزاد گردد.

۵- تضمین دیگری که برای آزادی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی وجود دارد لزوم اعتماد به اختیاری بودن بازداشت و تشخیص ضرورت آن از سوی قاضی است. بدین ترتیب اجباری بودن قرار بازداشت موقت با ضرورت این تشخیص مغایر است. به همین دلیل امروزه در اغلب کشورها بازداشت موقت اجباری لغو گردیده است که از آن جمله می‌توان به قانون ۱۴ ژانویه ۱۸۶۵ فرانسه، قانون ۱۹۵۶ چکسلواکی و قانون ۱۹۸۸ ایتالیا اشاره نمود.

کمیته وزیران اروپا در قطعنامه (۱۱) ۶۵ مورخ ۹ آوریل ۱۹۶۵ به کشورهای عضو توصیه کرده



است که از توسل به بازداشت اجباری امتناع ورزند و به تدریج درصد الغای آن بر آیند. (آشوری، نگاهی به حقوق متهم، ۵۹)

گفتار دوم: حقوق ایران

در حقوق ایران متأسفانه قانونگذار بدون توجه به اسناد بین‌المللی حقوق بشر و بدون ملاحظه اصل برائت که در اصل ۳۷ قانون اساسی تضمین شده است، سیاست کیفری خود را جهت تجویز و توسعه این اقدام تأمینی تنظیم نموده است. زیرا اولاً نه تنها قانونگذار برخلاف توصیه مجامع بین‌المللی و قوانین اساسی بسیاری از کشورها در جهت حذف قرار بازداشت موقت اجباری بر نیامده بلکه در قانون جدید موارد اعمال آن را افزایش داده است.

ثانیاً مصادیق قرار بازداشت موقت اختیاری به اندازه‌ای کلی و زیاد است که قاضی در عمل می‌تواند هر فردی را که بخواهد بازداشت نماید. به عبارت دیگر در قانون آیین دادرسی کیفری مرجع قضایی در برخی موارد مجاز به صدور قرار بازداشت موقت و در برخی موارد دیگر ملزم به صدور این قرار شناخته شده است این امر به خوبی نشان می‌دهد که هدف قانونگذار تعیین دو دسته موارد اختیاری و موارد الزامی برای صدور قرار بازداشت موقت بوده است که ابتدا موارد اختیاری و سپس موارد الزامی صدور قرار بازداشت موقت را بررسی می‌نماییم:

اول موارد اختیاری صدور قرار بازداشت موقت: در برخی موارد مشخص شده در قانون هرگاه قراین و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، صدور قرار بازداشت موقت جایز است. (ماده ۳۲ ق.آ.د.ک) معنای "جایز بودن صدور قرار بازداشت موقت" این است که به‌منظور جلوگیری از فرار متهم و تضمین حضور او، مرجع تحقیق محدود به صدور دیگر قرارهای تأمین (قرار التزام به حضور با قول شرف - قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام - قرار وثیقه - قرار کفالت) نیست و می‌تواند در صورتی که اصل لزوم تناسب قرار ایجاب کند از پنجمین قرار تأمین یعنی قرار بازداشت استفاده نماید بدین ترتیب و با توجه به پیش‌بینی موارد الزامی صدور قرار بازداشت موقت در ماده ۳۵ همین قانون می‌توان بر این عقیده بود که در موارد مذکور در ماده ۳۲ صدور قرار تأمین دیگری غیر از بازداشت موقت توسط مرجع قضایی، تخلف محسوب نشده و این موارد را



می‌توان موارد اختیاری صدور قرار بازداشت موقت نامید. موارد اختیاری صدور بازداشت موقت بدین شرح در ماده ۳۲ ق.ا.د.ک پیش بینی شده است: "الف - جرایمی که مجازات قانونی آن اعدام، رجم، صلب و قطع عضو باشد. ب- جرایم عمدی که حداقل مجازات قانونی آن سه سال حبس باشد. ج- جرایم موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی د- در مواردی که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده و یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین واقعه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع نمایند. همچنین هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود. ه- در قتل عمد با تقاضای اولیای دم برای اقامه بینه به مدت شش روز."

با دقت در بندهای فوق معلوم می‌شود که قانونگذار در برخی از آنها به تعیین مصداق جرائمی پرداخته که در آنها صدور قرار بازداشت متهم جایز است، (بندهای الف، ب، ج، ه) و در برخی دیگر به بیان ضابطه صدور این قرار پرداخته است. (بند د) هر چند که در این روش، مقام تحقیق ناگزیر به مراجعه به مواد دیگری از قانون برای شناخت دقیق‌تر برخی مصداق جرائم است، (مثلاً برای این که بداند چه جرائمی مجازات اعدام دارند) اما همه این جرائم، با اندک استثنا آتی، یک وجه مشترک دارند و آن این که عموماً جرائم مهمی هستند که از نظر قانون‌گذار صدور قرار بازداشت متهم در آنها موجه است. مجازات‌های همچون اعدام، حبس ابد یا رجم ممکن است متهم را به فرار و عدم حضور در مرجع قضایی ترغیب کند و تأمین حضور او نزد این مرجع با استفاده از سایر قرارهای تأمین دشوار به نظر می‌رسد. در مورد بند (د) نه اهمیت جرمی خاص، بلکه اوضاع و احوال خاص یک جرم، اقدام به صدور قرار بازداشت متهم را توجیه می‌کند. یعنی در غیر از موارد جرائم مهم مذکور در بندهای (الف)، (ب)، (ج) و (ه) نیز، در هر جرم دیگری هم که ملاک مذکور در بند (د) محقق باشد، صدور قرار بازداشت جایز است. این ملاک این است که آزاد بودن متهم "موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شود" و یا "باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین" و یا سبب "امتناع شهود از ادای شهادت" گردد و یا این که "بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود." نتیجه این که در صورت انطباق مورد با هر یک از ملاک‌های بند (د) امکان صدور قرار بازداشت متهم وجود دارد، حتی اگر موضوع



اتهام، هیچیک از موارد اتهامی مذکور در سایر بندهای ماده ۳۲ نباشد. (خالقی، آیین دادرسی کیفری، ۲۲۴ و ۲۲۵)

دوم موارد الزامی صدور قرار بازداشت، در برخی موارد، صدور قرار بازداشت متهم الزامی است و مرجع تحقیق نمی‌تواند قرار تأمین دیگری غیر از آن صادر کند. ماده ۳۵ ق.آ.د.ک این موارد را بر شمرده، و در آن اعلام گردیده است: "در موارد زیر با رعایت قیود ماده ۳۲ این قانون و تبصره‌های آن، هرگاه قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، صدور قرار بازداشت موقت الزامی است و تا صدور حکم بدوی ادامه خواهد یافت، مشروط بر این که مدت آن از حداقل مدت مجازات مقرر قانونی جرم ارتكابی تجاوز ننماید:

الف- قتل عمد، آدم ربایی، اسید پاشی و محاربه و افساد فی الارض ب- در جرائمی که مجازات قانونی آن اعدام یا حبس ابد باشد. ج- جرائم سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء، خیانت در امانت، جعل و استفاده از سند مجعول، در صورتی که متهم حداقل یک فقره سابقه محکومیت قطعی، یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیر قطعی، به علت ارتكاب هر یک از جرائم مذکور داشته باشد. د- در مواردی که آزادی متهم موجب فساد باشد. ه- در کلیه جرائمی که به موجب قوانین خاص مقرر شده باشد."

نکته‌ای که باید در ابتدا در مورد الزامی بودن صدور قرار بازداشت بر طبق این ماده به آن اشاره نمود، شرط مذکور در صدر ماده است که به موجب آن، صدور قرار بازداشت متهم "با رعایت قیود ماده ۳۲ این قانون و تبصره‌های آن" الزامی است. قیود مندرج در متن و تبصره‌های ماده ۳۲ همان ملاک‌های پیش گفته است که قبلاً به آنها اشاره شد. یعنی بیم فرار یا مخفی شدن متهم یا تبانی او با دیگر متهمان یا شهود و مطلعان و یا از بین رفتن آثار و دلایل جرم یا امتناع شهود از ادای شهادت وجود داشته باشد، و یا در جرائم منافی عفت، چنانچه شاکی خصوصی در میان نباشد، آزاد بودن متهم موجب افساد باشد. (همان، ۲۲۸ و ۲۲۹)

به این ترتیب اتخاذ چنین سیاستی در وضع و پذیرش دامنه‌وسعی در صدور قرار بازداشت موقت نه تنها مغایر با اصل برائت و حمایت از حقوق و آزادی‌های متهمین می‌باشد بلکه با تضمین پیش-بینی شده در اصل ۳۲ قانون اساسی که مقرر می‌نماید: «... و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت

پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد ...» تعارض دارد. زیرا هدف از تضمین مزبور این است که از اطاله تحقیقات مقدماتی از جمله بازداشت متهم به هر بهانه جلوگیری به عمل آید و مطابق عبارت میثاق بدون تأخیر غیر موجه درباره او قضاوت شود.

گفتار سوم: سایر نظام های حقوقی

در حقوق فرانسه به موجب قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ قرار بازداشت موقت اجباری به کلی از بین رفته و نه تنها بازپرس در هیچ موردی مجبور به صدور قرار توقیف نیست بلکه به منظور رعایت احترام اصل برائت قانون گذار مقرر داشته که اصل بر آزادی متهم بوده و وی بایستی تا روز محاکمه از آزادی برخوردار باشد. در مواردی که آزادی مطلق متهم مانع اجرای صحیح عدالت باشد و یا لازم تشخیص گردد که درباره وی اقدام تأمینی به عمل آید قانونگذار مقرر داشته که بازپرس موظف است در مرحله اول به صدور یک یا چند قرار از قرارهای "کنترل قضایی مبادرت ورزد در صورتی که این وسیله نیز برای نیل به هدفهای فوق الذکر کافی نباشد آن وقت بازپرس حق خواهد داشت که به صدور قرار بازداشت موقت متوسل گردد منتها در این مورد نیز قانون به منظور حمایت از متهم مقرر داشته که بازپرس موظف است موجها علل عدم تکاپوی قرارهای کنترل قضایی را قید نماید تا متهم بتواند از آن نزد هیات اتهامی شکایت نماید.

۱۳۹

در حقوق بلژیک به موجب قانون ۲۰ آوریل ۱۸۷۴ در صورتی که مجازات جرم اتهامی ۱۵ سال حبس یا اعمال شاقه یا بیشتر باشد بازداشت متهم اجباری است. (آشوری، عدالت کیفری، ۲۴ و ۲۵) در حقوق ایتالیا، قانون این کشور به ویژه به رعایت "تناسب قرار" اعم از بازداشت و غیره با نوع اتهام و ویژگی های متهم تأکید کرده و زندان به عنوان آخرین حربه تلقی گردیده که قاضی باید وقتی به آن توسل جوید که سایر اقدامات از قبیل بازداشت در منزل، ممنوعیت خروج از کشور، اجبار به اقامت در محل معین و یا سایر اقدامات کنترل قضایی از قبیل وثیقه، کفالت و امثال آن برای نیل به مقصود کافی نباشد. همچنین در قانون این کشور موارد بازداشت موقت اجباری حذف گردیده است. (آشوری، عدالت کیفری، ۱۸۲)

نتیجه گیری:

به موجب اصل برائت متهم از لحظه اسناد اتهام تا زمان اثبات آن و صدور حکم محکومیت و به طور کلی در تمام مراحل رسیدگی کیفری بی‌گناه است. اصل برائت و آثار مترتب بر آن به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی که از مراحل حساس و سرنوشت ساز قضایی بوده باید مورد توجه قرار گیرد از جمله آثار اصل برائت در مرحله تحقیقات مقدماتی عبارتند از:

۱- مقام تعقیب به موجب اصل برائت باید اتهام متهم را ماورای شک و تردید معقول اثبات نماید و نباید شرایطی فراهم نماید که متهم که فرض بر بی‌گناهی وی می‌باشد مجبور به اقرار یا شهادت علیه خود شود و خود را مجرم قلمداد نماید در غیر این صورت چنین اقرار یا شهادتی فاقد ارزش اعتبار می‌باشد. (بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، قسمت هفتم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، قسمت هفتم بند ۲ و ۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، قسمت اول بند ۱ ماده ۵۵ و بند ۱ ماده ۶۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)

۲- حق سکوت که مکمل حق مصونیت در مقابل خود اتهامی می‌باشد، به این معناست که متهم در این مرحله می‌تواند ساکت بماند و از پاسخگویی به سؤالات مقام تعقیب امتناع نماید بدون این که سکوت وی دلالت بر مجرمیت یا بی‌گناهی متهم داشته باشد. (قسمت دوم بند ۲ ماده ۵۵ و قسمت هفتم ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)

۳- حق برخورداری از معاضدت وکیل و مترجم: به این معنا که با توجه به نقش مؤثری که حضور وکیل در این مرحله حساس رسیدگی می‌تواند در تغییر مسیر پرونده به نفع متهم داشته باشد و تأکید بر ضرورت "تساوی سلاح‌ها" بین اصحاب دعوی متهم می‌تواند از معاضدت وکیل مدافع در این مرحله برخوردار بوده و در صورت عدم توانایی مالی دراستیفای این حق، این معاضدت به صورت رایگان به وی ارائه شود همچنین در صورتی که رسیدگی در این مرحله به زبان دیگری غیر از زبانی که شخص کاملاً درک و صحبت می‌کند صورت گیرد باید از مساعدت یک مترجم توانا برخوردار بوده و از آنجا که لازمه اصل برائت و بی‌گناهی متهم این است که تا قبل از اثبات اتهامش از تحمیل هر گونه هزینه و خسارت به وی اجتناب گردد این مساعدت باید رایگان باشد. (قسمت سوم بند ۲ ماده ۵۵ و ماده ۶۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)

۴- حق برخورداری از آزادی فردی به این معنا که براساس اصل برائت، متهم تازمانی که اتهامش اثبات نشده بی‌گناه است و لذا بازداشت متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی که این مهم محقق نشده است مغایر با این اصل بوده و به حق دفاع وی لطمه وارد می‌نماید اما پذیرفتن اصل برائت با یک دامنه گسترده و مطلق تامین مصالح و امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد لذا در این تلاقی (آزادی فردی و مصالح اجتماعی) به منظور تضمین هر چه بیشتر تحقق اصل برائت همراه با آثار آن باید سعی در تلفیق این دو با هم شود و در نتیجه بازداشت متهم در موارد ضروری و نه به عنوان یک قاعده کلی با استناد به دلایل موجه پذیرفته شده مشروط بر این که در مدت معقول خاتمه یابد و به سایر حقوق متهم که در پرتو اصل برائت از آن برخوردار می‌باشد لطمه وارد ننماید. (بند ۱ و ۳ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، قسمت چهارم بند ۱ ماده ۵۵ و ماده ۵۸ و بند ۴ ماده ۶۰ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، توصیه شماره ۱۳ رهنمود ریاض سازمان ملل متحد)

فهرست منابع

- ۱- آخوندی، محمود، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، انتشارات وزارت فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰، چاپ ششم
- ۲- ----- ، ----- ، **آیین دادرسی کیفری**، جلد چهارم، انتشارات اشراق، قم، ۱۳۸۱، چاپ دوم
- ۳- ----- ، ----- ، **آیین دادرسی کیفری**، جلد پنجم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۴، چاپ اول
- ۴- آخوندی، محمود، **بازداشت موقت در سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران و انطباق آن با موازین حقوق بین الملل بشر**، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۷۶
- ۵- آشوری، محمد، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰، چاپ دوم
- ۶- ----- ، ----- ، **عدالت کیفری**، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۶، چاپ اول
- ۷- آشوری، محمد، **نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری**، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۸
- ۸- امیدی، جلیل، **حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین المللی و منطقه ای**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۹، پاییز ۱۳۷۹



- ۹- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۰، چاپ چهارم
- ۱۰- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۸۸، چاپ سوم
- ۱۱- خزانی، منوچهر، توقیف احتیاطی یا قرار بازداشت متهم و آثار آن، مجله کانون وکلای مرکز شماره ۱۴۸ و ۱۴۹، پاییز و زمستان ۱۳۶۸
- ۱۲- _____، _____ و دیگران، پانزدهمین کنگره بین المللی حقوق جزا، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۶ و ۱۷، از پاییز ۱۳۷۴ تا زمستان ۱۳۷۵
- ۱۳- سنگلجی، محمد، آیین دادرسی در اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۲۹
- ۱۴- سونگ، چن گوانگ، اصلاح مقررات آیین دادرسی کیفری در چین، ترجمه محمد آشوری مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۲۰، زمستان ۱۳۷۷
- ۱۵- منصور آبادی، عباس، سکوت متهم در دادرسی های جزایی، مجله حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۴، بهار و تابستان ۱۳۸۷
- ۱۶- میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۲، چاپ دهم
- ۱۷- هوشنگ زاده، ناصر، اعلامیه های حقوق بشر، موسسه چاپ و انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، تهران، ۱۳۷۲، چاپ اول

- ۱۸- Black , Henry , Campell , Blacks Law Dictionary , 6th ed , United State , West , 1990
- ۱۹- Dijk , P. Van and G . J . H . Van Hoof , Theory and Practice of The European Convention on Human Rights , 3th ed , London , SIM , 1998
- ۲۰- Feldman , David , Civil Liberties and Human Rights In England and Wales , 2nd ed , United State , Oxford University , 2002
- ۲۱- Gondles . Jr , James . A , Dictionary of Criminal Law Justic Termes , U . S . A , Graphic Comunication , 1998
- ۲۲- Nicolson , John , The Right To Silence – Only Half Right , <http://www.Crimbarvic . org . au . com> , 2004

